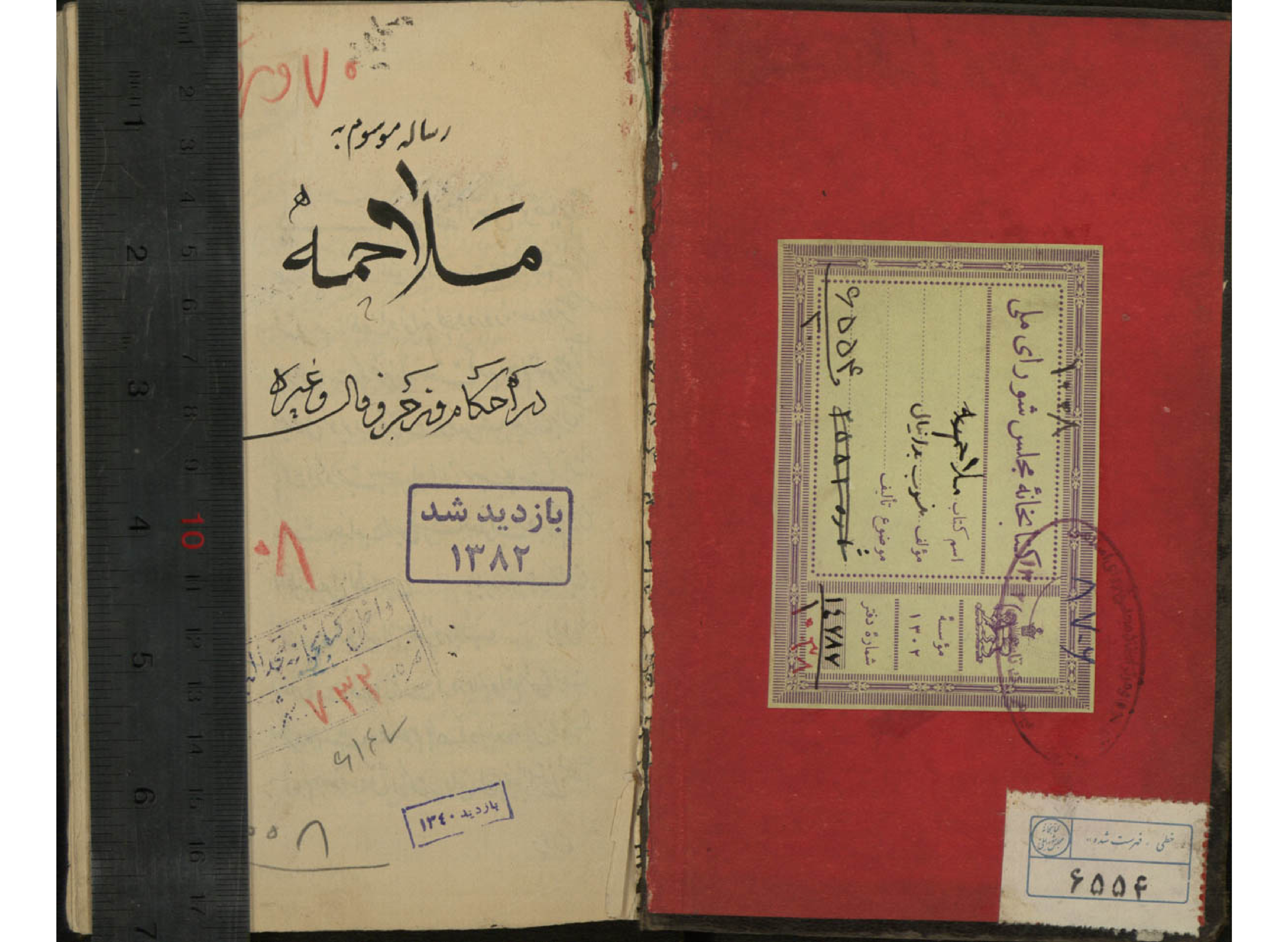
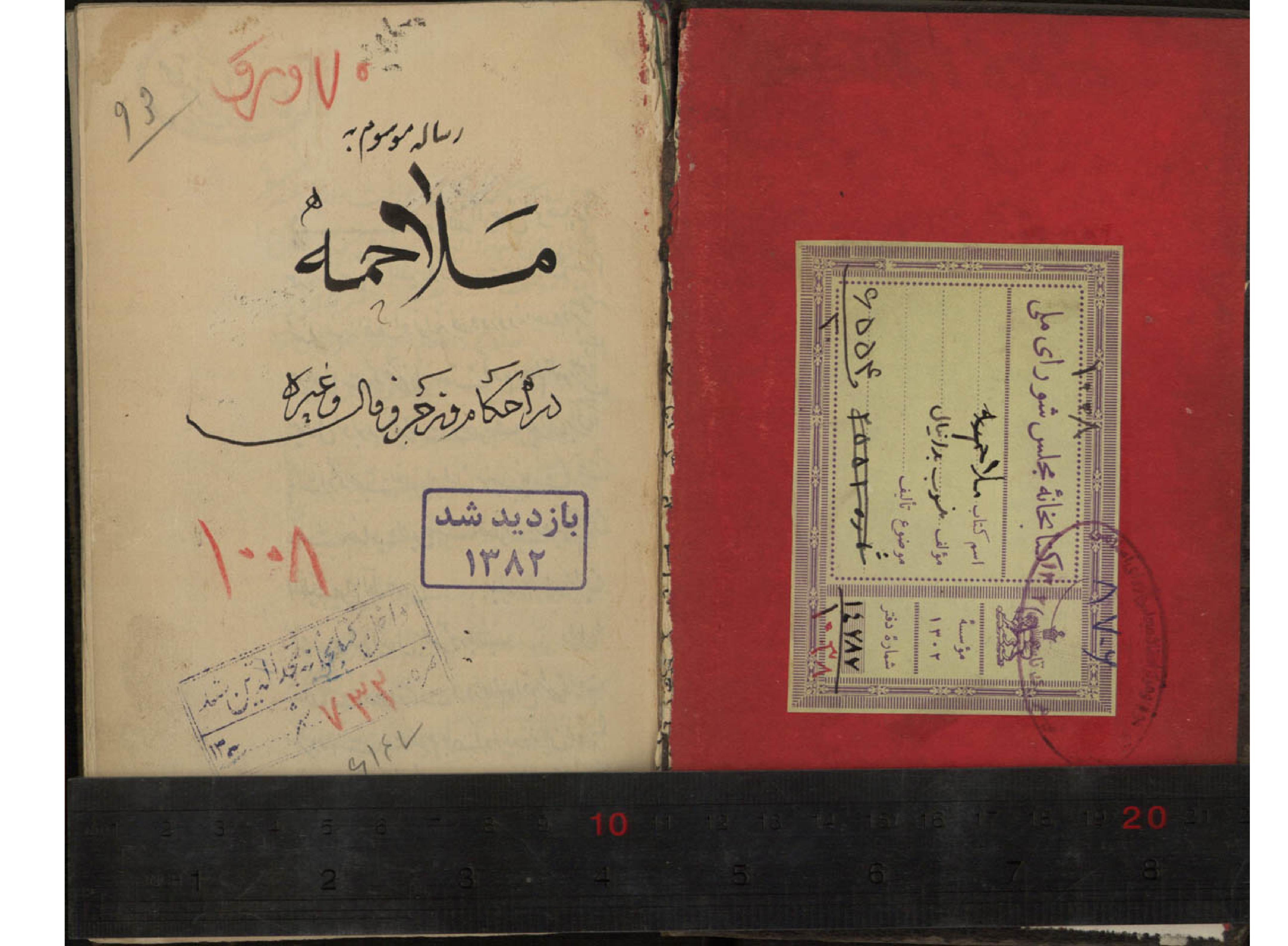


رساله موسوم به

ملاحمه

در احکام رعد و برق و زلزال و غیره



رساله موسوم به

ملاحمه

در احکام و زجر و فال وغیره

رساله موسوم به

ملاحمه

در احکام و زجر و فال و غیره



بسم الله الرحمن الرحیم وبه

حمد و سپاس مر ملک الملکی را که علامات حوادثات مختلف عالم
شمه از نمونه لطف او تواند بود و درود نامعدود بر خلاصه
موجودات که غرض از خلقت آدم و عالم ظهور جلوه ذات
بیمثال او بود و تحیات و صلوات بیکران بر آل و عترت
پاک او که حب و بغض ایشان موجب نجات کونین و
باعث عذاب دارین است صلوات الله علیهم اجمعین
الطیبین الطاهرین بباید دانست که این
کتاب را دانیال پیغمبر ع در باب دلیل
علامات و حوادثات که در عالم واقع شود تالیف
کرده است و موسوم بملحمه گردانیده و این مختصر را
امام جعفر صادق ع از کتاب دانیال پیغمبر ع استخراج نموده است

وچون

وچون معنی ملحمه بسیاری رموز است و در این مختصر و
خون ریختن بسیار واقع شده و دانیال پیغمبر ع و بر ملحمه نام
نهاده و مقصود از تالیف این مختصر آنست که چون
حوادث که در عالم واقع شود نظر در این کتاب
کنند و اگر حکمتش بر خدای عز و جل شکر کنند و
شرط احسان و خیرات بجای آورند دلیل
بر شر و فتنه بود از فسق و معصیت توبه کنند و در طاعات
و عبادت بیفزایند تا حق تعالی بفضل و کرم خویش شر و فتنه
از ایشان برگرداند و بر ارباب دانش پوشیده نیست
که خدای تبارک و تعالی هر چیزی را بحکم خویش سببی کرده است
چنانکه در کلام مجید خود فرموده وَآتَیْنَاهُ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ
سَبَبًا فَأَتْبَعَ سَبَبًا بر مقتضای همین آیه حدیث
وارد است قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

پس برین تقدیر بسبب علامات که واقع شود باعث
عدل و خشم تواند بود لهذا امید از مسبب الاسباب
آنست که پیوسته علامات که دلیل بر خیر بود برزید دارد
بدار احکام این اوراق بر حسب ماههای رومیان است
و مشتمل است بر دوازده باب و هر باب بر بیست و
پنج فصل و چون وصول اکثر کتب معتبر در این
نسخه مندرج است این مختصر را ملاحمه موسوم
گردانیدیم و امید که مصنف را از دعا فراموش
نفرمایند **باب اول** در احکام آذر ماه رومی موافق
خرداد ماه آذر ماه سی و یک روز بود و چهاردهم
وی روز و شب را از هم فرقی و چون چهار روز
از وی بگذرد ستاره جبهه برآید و زبره فرو شد

وچون

باب ۱

و چون شانزدهم شود مقدم برآید و طرفه فرو شود
مؤخر برآید و عوی فرو شود و در این ماه سپاه بلغم
منهدم و سپاه خون منصور بود و فصد کردن و حجامت
کردن مفید باشد و غذای این وقت چیزهای
لذیذ و گرم و تر باید مثل گوشت و تخم مرغ و شراب
های معتدل و از غذای غلیظ احتراز باید کرد
مثل سیر و پیاز و امثال آن تا مزاج انسان از حد
استقامت منحرف نگردد **فصل اول** در حکم
کسوف اگر در این ماه کسوف آفتاب واقع شود
دلیل است بر هلاک پادشاه ولایت شام
و یا یکی از بزرگان آن دیار و اگر رنگ آفتاب
بوقت کسوف سرخ بود دلالت میکند بر قحطی

فصل ۱

و گرانی نرخها و خوف و هراس مردم و نا ایمنی راهها
و آشفتگی ولایات والله اعلم **فصل دوم** در حکم

ف ل ٢

خسوف اگر در این ماه خسوف واقع شود دلیل است
بر زبونی کشت و زرع و گرانی نرخها و بسیار بودن
ماهی و مرغ ابیان و اسهال و وقوع جدال و قتال
و خون ریختن و تلف شدن اموال مردم و کمی باران
و اگر نیمشب گرفته باشد دلالت میکند بر موت بسیار
در ولایت مصر بر هلاک شدن یکی از پادشاهان
ولایت عرب و خروج کردن دشمنان دین و وقوع
محاربه و مقاتله و خون ریزش بسیار و بعضی از حکمای
قدیم گفته اند که در ولایت هند نیز پادشاهی وفات
یابد و اگر نزدیک بصبح گرفته باشد دال است بر بهاری که

سال

سال و کثرت باران و ارزانی نرخها خاصه در آخر سال
والله اعلم **فصل سیم** در حکم دایره آفتاب اگر در اینماه

ف ل ٣

دایره آفتاب واقع شود دلیل است بر خیر و برکت خصوصاً
در اول ماه و اگر در آخر ماه دایره ببیند دلالت کند بر جنگ
و خصومت و خونریزش بسیار و عداوت مردم
با یکدیگر و کثرت باران و بسیاری بیماریها و فوت
شدن یکی از بزرگان ولایت هند والله اعلم
فصل چهارم در حکم دایره ماه اگر در اینماه دایره ماه واقع شود

ف ل ٤

دلیل است بر کثرت نم و باران و زیادتی آب چشمهها
و رودخانهها و نیکو بودن کشت و زراعت و عدل
و داد پادشاه اسلام نسبت بحال رعیت و ایمنی ولایات
و رفاهیت مردم و اگر در آخر ماه دایره واقع شود آنچه مذکور شد

ف ل ۵

۷ کمتر بظهور آید والله اعلم **فصل پنجم** در حکم هلال اگر در اینماه هلال

بسیار بر آید دلیل است بر زیان و نقصان مردم و اگر یک جانب

هلال برخاسته باشد دلیل است بر خوبی سال و نیکو بودن کشت

و زراعت و بسیاری میوه و ارزانی نرخها و اگر تحلیل نمودن

هلال باران بیارد دال است بر بسیاری اطعمه و اشربه و

ایمنی و معیشت و خوش کسب ولایات و مردم و بودن

ف ل ۶

برف و سرما در زمستان والله اعلم **فصل ششم** در حکم

ستاره گیسودار اگر در این ماه ستاره گیسودار از جانب مشرق

بر آید دلیل است بر جنگ و فتنه در میان مردم و بسیاری

حرامیان و راه زنان و خرابی اکثر مواضع و خروج کردن

خوارج بر پادشاه مشرق و ضعف احوال دین و وقوع

قتل و غارت و خون ریزش بسیار و جور و ظلم ملوک ❊

بر رعیت

۸ بر رعیت و بودن مخالفت در میان ولایت مشرق

امّا آخر الامر پادشاه اسلام بر دشمنان خود ظفر یابد و مردم

بجای خود قرار گیرند و اگر از جانب مغرب بر آید دلالت

میکند بر موت پادشاهان تکور و فرنگ و عداوت

و خصومت مردم با یک دیگر و امکان جدال و قتال و خوف

ف ل ۷

و هراس خلایق و گرانی اطعمه و اشربه والله اعلم **فصل هفتم**

در حکم افتادن ستاره اگر در اینماه ستاره بزرگ بیفتد دلالت

میکند که پادشاهی از ولایت دیگر بیاید و پادشاه آن ولایت را

مغلوب و مقهور سازد و بجای او قرار گیرد و انواع خرابی بدان

ولایت رساند امّا در آخر حال در صدد تلافی و تدارک

آن دیار [illegible] شد و احوال رعیّت نیکو بود امّا اثر این تاثیرات

بجانبی واقع شود که ستاره بیفتد والله اعلم **فصل هشتم**

ف ل ۸

در حکم قوس و قزح اگر در اینماه قوس و قزح بجانب مشرق بینند
دلیل کند بر جنگ و خصومت میان دو پادشاه و کشته شدن
یکی از ایشان و ارزانی نرخها و بسیاری محصولات اشجار
و اگر بجانب مغرب بود دلالت میکند بر بسیاری مرگ
زنان و کثرت نم و باران و نقصان کشت و زراعت
و جهاد کردن پادشاه اسلام و ظفر یافتن در آخر سال
و اگر در آخر ماه بینند دلیل است بر عداوت و نقص احوال
مردم تا مدت سه سال و قحطی و گرانی نرخها و امکان نم
و باران و زبونی احوال مردم ولایت روم والله اعلم

ف ل ۹

فصل نهم در حکم حربه اگر در اینماه حربه در آسمان ببینند
دلیل کند بر رونق حال اهل تجار و احتیاج اهل سیاحت
از بیم و هراس و امکان نم و باران و اگر بجانب مغرب بینند

دلالت میکند بر بسیاری موت و بیماریها تا مدت سه سال
و اندک گرانی اطعمه و بودن نم و باران و بسیاری ماهی و فراوانی بیابان
و نقصان کشت و زراعت کوه پایه ها از ملخ و عتاب و خطاب
پادشاه نسبت بحال اهل تجار و نقصان اهل ارباب جاه
در احوال تا مدت سه سال والله اعلم

ف ل ۱۰

فصل دهم در حکم
سرخی اگر در اینماه سرخی در آسمان بجانب مشرق بینند دلیل است
بر نیکوئی احوال مردم و ارزانی نرخها و خوشی معیشت مردم
و اگر در آخر ماه بینند دلیل است بر جور و ستم ملوک بحال رعیت
و اگر بجانب مغرب بینند دلالت میکند بر گرمای عظیم در فصل
تموز و دراز کشیدن زمستان و بسیاری برف و صاعقه و خرابی
اکثر مواضع و رسیدن انواع پریشانی بر رعیت و اگر در اول ماه
بینند احوال مردم نیکو بود والله اعلم

ف ل ۱۱

فصل یازدهم در حکم عجیب

اگر درینماه عجایب در آسمان ببینند دلیل است بر مرگ و غم
و اندوه در ربع مسکون عالم و خوبی کشت و زراعت و بسیاری
محصولات اشجار و خوبی کسب و ایمنی ولایت خاصه ولایت
خراسان والله اعلم **فصل دوازدهم** در حکم شهب که در هوا پیدا شود

ف ل
۱۲

اگر درینماه صورت شهب در هوا پیدا شود دلالت میکند بر قوت
پادشاه معظم و آشفتگی ولایت و ناایمنی راهها از سبب دزدان
و راهزنان و نیکوئی کسب مردم و بسیاری محصولات
خصوصاً خرما و انگبین والله اعلم **فصل سیزدهم** در حکم رعد

ف ل
۱۳

اگر درینماه رعد بخیزد دلیل است بر بسیاری نباتات و اگر
در وقت غرّه این ماه زاید النور باشد دلیل کند بر صلاح احوال
مردم و بسیاری خیر و برکت و اگر ماه ناقص النور باشد دلالت
میکند بر نیکوئی احوال و عاقبت مردم و ایمنی ولایات و ارزانی

نرخها

نرخها خصوصاً جو و گندم و بسیاری لحوم و دسوم والله اعلم
فصل چهاردهم در حکم برق اگر درینماه درخشیدن برق

ف ل
۱۴

واقع شود دلیل است بر قتال و جدال و نهب و غارت و
غم و اندوه مردم و زبونی حال اهل تجار و آفت حیوانات
خاصه در آخر سال اما اطعمه و اشربه فراوان بود والله اعلم
فصل پانزدهم در حکم صاعقه اگر درینماه آتش از هوا ببارد

ف ل
۱۵

دلیل است بر عداوت و خصومت ملوک و سلاطین
بایکدیگر و تشویشات مردم و ظلم و ستم پادشاهان نسبت
بحال رعایا و سخت گذشتن زمستان و کثرت برف و سرما
و یخ بندد و جستن برق و باد مخالف والله اعلم
فصل شانزدهم در حکم باران اگر درینماه باران بسیار ببارد

ف ل
۱۶

دلیل است بر نیکوئی کسب و معیشت مردم و در این

سال مردم در مهد امن و امان بیاسایند اما حیوانات را
فی الجمله آفت رسد والله اعلم **فصل هفدهم** در حکم تندرک اگر در اثناء
تندرک ببارد دلیل است بر خون ریختن و منازعت لشکریان
با یک دیگر و تشویش و اختلاف در میان مردم و استماع
اخبار اراجیف از اهل تجار و دزدان و راه زنان
والله اعلم **فصل هجدهم** در حکم خاک سرخ اگر در اثناء خاک
سرخ ببارد دلیل است بر گرانی نرخها خاصة حبوبات
و وقوع محاربه و مقاتله و خون ریختن و خوف و هراس
مردم و نا ایمنی ولایت از سبب قطاع الطریق و غم و اندوه
عامه خلایق از کمی کسب و معیشت والله اعلم
فصل نوزدهم در حکم باریدن وزغ اگر در اثناء وزغ ببارد دلیل
کند بر بسیاری بودن نم و باران و زیادتی آب چشمه ها
و نیکوئی

ف ل ۱۷ — ف ل ۱۸ — ف ل ۱۹

و نیکوئی کشت و زراعت و نباتات و آفت رسیدن
محصولات اشجار و خوبی کسب و معیشت و کمی بیماریها والله
اعلم **فصل بیستم** در حکم غبار اگر در اثناء غبار صعب در هوا
پیدا شود دلیل است بر عداوت و خصومت مردم
با یک دیگر و احتمال محاربه و مقاتله و بسیاری اراجیف
و کثرت بیماریها و زبونی نبات و آفت حیوانات و بسیاری
میوه ها و گرمای عظیم در فصل تابستان والله اعلم
فصل بیست و یکم در حکم تاریکی اگر در اثناء تاریکی در هوا پیدا
شود دلیل است بر حرکت نمودن پادشاهان و وقوع
بیماریهای صعب و غم و اندوه رعیت از جور ملوک
و نیکوئی کشت و زراعت و بسیاری حیوانات و خوشی
کسب و معیشت والله اعلم **فصل بیست و دوم** در حکم

ف ل ۲۰ — ف ل ۲۳ — ف ل ۲۲

باد اگر درینماه باد سخت بجهد دلیل است بر نیکوئی کشت
و زراعت و نباتات و بودن بیماریهای صعب و اندوه
عامهٔ خلایق و موت زنان و دختران و آفت رسیدن
اشجار از کثرت باران والله اعلم **فصل بیست و سیم** در حکم
بانگ اگر درینماه بانگ از هوا بشنوند دلیل است بر عداوت
و خصومت مردم با یک دیگر و مخالفت میان ازواج
و شرکا و بسیاری بیماریهای صعب و ارزانی نرخها
والله اعلم **فصل بیست و چهارم** در حکم بانگ زمین اگر درینماه
بانگ از زمین بشنوند دلیل است بر موت پادشاه
آن دیار و غم و اندوه مردم و بدی احوال تجار از سبب
دزدان و راه زنان و قحطی و گرانی نرخها خصوصاً در آخر
سال والله اعلم **فصل بیست و پنجم** در حکم زمین لرزه اگر

فل ۲۳

فل ۲۴

فل ۲۵

درینماه

درینماه زلزله واقع شود دلیل است بر جنگ و خصومت
و خون ریزش بسیار خصوصاً در ولایت عراق و مصر و
کثرت اراجیف و بدی احوال عامهٔ خلایق و تلف شدن
حیوانات و اگر زلزله بروز بود دلیل بر وفات پادشاه
آن دیار و نا ایمنی ولایات از سبب دزدان و راه زنان
و بسیاری موت در ولایت روم و وقوع عداوت
میان سلاطین مشرق زمین و رسیدن انواع ستم
بر رعیت آن دیار و اگر در اثنای زلزله ستاره بزرگ
بیفتد دلالت میکند بر جنگ و خصومت و اختلاف
در میان مردم و جور و ستم ملوک بحال رعیت و زیان
کشت و زراعت بسبب ملخ و پدید آمدن قحطی و گرانی
نرخ حبوبات و اگر زمین لرزه بشب واقع شود شر و فتنه
و موت بسیار منتشر شود و رعیت از پادشاه ستم بینند

باب ۲

والله اعلم **باب دویم** در احکام نیسان ماه رومی بدانکه
نیسان ماهی و یک روز است چون روز دهم ور شود ستاره
رشا بر آید و ثره فرو شود روز بیست و دویم شرطین
بر آید و عفران فرو شود و در اینماه آب چشمه‌ها و جویها
زیادت شود و ماهیان فربه شوند و مزاج فصل قوی گردد
و در جانب مشرق بادهای مخالف بسیار وزد و درین
فصل از غذا مثل گوشت و سرکه موافق مزاج باشد و جماع
کردن و بگرمابه رفتن مفید بود و آب بناشتا خوردن و
غذاهای غلیظ مثل روغن و امثال آن تناول نمودن
و بوها بوئیدن مضرت رساند و اگر درین ماه هلال
بمنزل شرطین بود دلیل است بر بسیاری نم و باران و خوشی
کسب و معیشت مردم و نیکوئی سال و اگر یازده ماه
باران نبارد البته در ماه دوازدهم بارندگی شود و اگر
چنانچه

چنانچه در آن یکماه هم بارندگی واقع نشود دلیلست بر غضب ملکی
جبار بر مردم آن دیار و وفات آدم صفی الله در دهم اینماه بوده

فصل ۱

فصل اول در حکم کسوف اگر در اینماه کسوف آفتاب واقع شود
دلیل است بر پدید آمدن حوادثات و عجیبات در ربع مسکون
عالم و ظهور یکی از علمای دین که بغایت بفضل باشد و کثرت اخبار
اراجیف و وقوع بیماریهای صعب و بسیاری میوه‌ها محتمل که
اندک نقصان بمحصولات اشجار واقع شود و اگر رنگ آفتاب
بوقت کسوف سرخ بود دلالت میکند بر جنگ و عداوت
و خون ریزش بسیار و موت یکی از پادشاهان معظم والله
اعلم **فصل دویم** در حکم خسوف اگر در اینماه خسوف ماه

فصل ۲

واقع شود دلیل است بر خصومت و عداوت مردم بایک
دیگر و امکان قتل و خون ریزش بسیار و بودن امراض مختلفه
مثل درد سر و درد چشم و سرفه و آماس و کمی محصولات اشجار

خصوصاً انور اگر نیمه شب یا نزدیک بصبح گرفته باشد دلالت میکند
بر صلح پادشاهان با یکدیگر و بسیاری نم و باران و ارزانی نرخها اما
در ولایت چین و عراق قحطی و خون ریزش بسیار سمت وقوع پذیرد

ف ل ۳

والله اعلم **فصل سیم** در حکم دایره آفتاب اگر درین ماه دایره آفتاب
واقع شود دلیل است بر زوال دولت بعضی از سلاطین عالیمقدار
و بلند شدن مرتبه دونان و خوبی کشت و زراعت و بیماری مردمان
معارف و مشاهیر و بسیاری موت اطفال و وزیدن بادهای
مخالف و فوت شدن یکی از بزرگان ولایت شام و بودن
درد چشم و اگر بوقت دایره باران و رعد و برق واقع شود
دلیل است بر بسیاری میوه‌ها و زیادت شدن آب چشمه

ف ل ۴

و رود خانه والله اعلم **فصل چهارم** در حکم دایره ماه اگر درین
ماه دایره ماه واقع شود دلیل است بر تسلط و استقلال
ملوک و سلاطین و عدل و داد از ایشان نسبت بحال

رعیت

رعیت و ایمنی ولایات و زیاده شدن آب چشمه‌ها و رود
خانه‌ها و خوبی نباتات و حبوبات و نقصان در کسب
و معیشت مردم و دراز گذشتن زمستان و بودن سرما
و یخ بند و خرابی بعضی مواضع از بادهای مخالف والله

ف ل ۵

اعلم **فصل پنجم** در حکم هلال اگر درین ماه هلال راست
برآید دلیل است بر فوت زنان و دختران و دشواری
وضع حمل و اگر یک جانب هلال برخاسته باشد دلیل است
بر بسیاری موت اطفال خصوصاً از آبله و بسیاری نم و باران

ف ل ۶

والله اعلم **فصل ششم** در حکم ستاره گیسودار اگر درین ماه
ستاره گیسودار برآید دلیل کند بر جنگ و خصومت
میان ملوک و سلاطین و وفات یکی از پادشاهان
معظم و ارزانی نرخها و پدید آمدن قحطی و موت بسیار
در ولایت روم و بابل از امراض مختلفه خصوصاً وبا و یرقان

وتا ایمنی ولایات از سبب دزدان وراه زنان
وامکان بیماریهای صعب خاصه در ولایت فارس
والله اعلم **فصل هفتم** درحکم ستاره اگر در
این ماه ستاره بزرگ بیفتد دلیل است بر فوت
یکی از سلاطین عالیمقدار و انواع ظلم وستم از لشکریان
مخالف خصوصا نسبت بروستایان وصحرانشینان
وکثرت اخبار اراجیف وبدی اهل تجار وتا ایمنی
ولایات والله اعلم **فصل هشتم** درحکم قوس
وقزح اگر در اینماه قوس وقزح بجانب مشرق
پیدا شود دلیلست بر غضب ترک وسلاطین بر امرا
وحکام ووقوع جنگ وخصومت وخونریزش بسیار
خاصه در ولایت مغرب وامکان منازعت در میان
مردم ودر ولایت اهواز وبسیاری نم وباران و

بیماری

ف ل ۷

ف ل ۸

وبیماریهای صعب خصوصا در ولایت بابل واگر
قوس وقزح بجانب مغرب ببیند دلالت میکند بر
قحطی وگرانی نرخها خاصه درمغرب زمین ودر ولایات
مصر ووزیدن بادهای مخالف ونیکو شدن حبوبات
وقوت حال وخوشی ومنفعت یافتن اهل تجار
خصوصا در آخر سال والله اعلم **فصل نهم**
درحکم حربه اگر در اینماه حربه بجانب مشرق
ببیند دلیل است بر قحطی وگرانی وموت بسیار
در ولایت فارس وخراسان وبسیاری ظلم
وستم در ولایت در ولایت مشرق زمین
واگر بجانب مغرب نمودار شود دلالت میکند
بر فوت پادشاه آذربار ووقوع جنگ وخصومت
وخونریزش بسیار خاصه درآن ولایت وبسیاری

نم وباران

ف ص ۹

ف ل ١٠

نم و باران والله اعلم فصل دهم در حکم سرخی
اگر در اینماه سرخی در آسمان پیدا شود دلیل است
بر فتنه و آشوب خصوصا در ولایت خراسان
و فارس اما در آخر سال ایمنی ولایت و مردم را
فی الجمله راحت بود و اگر بجانب مغرب نمودار شود
دلالت میکند بر جنگ و خصومت و آشفتگی ولایت
و سختی گذشتن زمستان و بسیاری برف و یخ
و ریزش آب چشمها و رودخانها والله اعلم

ف ل ١١

فصل یازدهم در حکم عجائب اگر در اینماه
عجائب در آسمان ببیند دلیل است بر نقصان
احوال خداوندان مال و اهل تجار و انواع ستم
از ملوک و سلاطین بحال این طبقه و آفت
رسیدن کشتها و زیان سفر بری و بحری والله اعلم

فصل

ف ل ١٢

فصل دوازدهم در حکم شخصی که در هوا پیدا
شود اگر در اینماه شخصی در هوا پیدا بپدید آید دلیل است
بر فوت یکی از سلاطین عالیمقدار و غم و اندوه مردم
و بودن بیماریهای صعب و بسیاری مرگ مفاجاة
و امکان خونریزش بسیار و زبونی احوال روستائی
و دهاقین و صحرانشینان والله اعلم فصل سیزدهم

ف ل ١٣

در حکم رعد اگر در اینماه رعد بغرّد دلیلست
بر رغبت نمودن ملوک و سلاطین بر خیرات و عدل
و داد و بسیاری غلّه و مجموع حبوبات و اگر بوقت
غریدن رعد ماه زاید النور بود دلالت بر بسیاری
اطعمه و اشربه و اقسام میوهها و کثرة عقد مناکحات
و اگر بوقت غریدن ماه ناقص النور بود دلیل است
بر آنچه گفته شد سال آینده بظهور آید والله اعلم

فصل

ف ل ١٤

فصل چهاردهم در حکم برق اگر در اثناء
برق بجهد و دلیل است بر بیماری بسیار خاصه در ولایت
بابل و اگر در وقت درخشیدن برق باد سخت
بجهد دلیلست بر هلاک یکی از پادشاهان معظم
ولایت شرق و اگر برق از جانب مغرب بجهد
دلالت کند بر نیکو گذشتن سال و بسیاری
حبوبات و میوه‌ها و ارزانی نرخها و هلاک شدن مردمان
مشاهیر و پارسایان و امراض مختلفه خصوصا زکام
و سرفه‌ها و در آخر سال ارزانی تمام بجهت مردم بلاد احیت
رسد والله اعلم **فصل پانزدهم** در حکم

ف ل ١٥

صاعقه اگر در اثناء صاعقه آتش از برق بیفتد
دلالت کند بر بسیاری جنگ و خصومت و
آشفتگی ولایات و غم و اندوه عامه خلایق و کثرت

نم و باران و بسیاری مرگ حیوانات و آفت
رسیدن محصولات و اشجار والله اعلم

ف ل ١٦

فصل شانزدهم در حکم باران سخت
اگر در اثناء باران سخت ببارد دلیلست
بر مبارکی سال و رغبت نمودن مردمان بخیرات
و طاعات و نیکوئی کسب و معیشت مردم
و بعضی از حکماء قدیم گفته‌اند که نیز دلیلست
بر مضرت رسیدن بملوک و حکام اما غله و حبوبات
فراوان باشد و نم و باران در این سال بسیار
بود وباهای مختلف کم بود و سال بغایت
ایمن گذرد والله اعلم **فصل هفدهم**

ف ل ١٧

در حکم تگرگ اگر در اثناء تگرگ ببارد دلیلست
بر بیماریهای صعب و وقوع قتلهای ناحق و خونریزی

بسیار خاصه در ولایت بابل و ظفر یافتن
پادشاه آنجا بر دشمنان خود و بسیاری نم و باران
ف ل ۱۸ و نیکو بودن نباتات والله اعلم فصل هجدهم
در حکم خاک سرخ اگر در اینماه خاک سرخ ببارد دلالت
بر غم و اندوه مردمان و آشفتگی ولایات و ناایمنی
راهها و کثرة اخبار اراجیف و زبون گشتن زراعت
ف ل ۱۹ و نباتات والله اعلم فصل نوزدهم
در حکم وزغ اگر در اینماه وزغ ببارد دلیل است
بر جور و ستم ملوک و سلاطین بر رعیت و آشفتگی
ولایات و زبون کسب و معیشت مردم و غم و
اندوه عامه خلایق و بودن بیماریهای صعب
مثل سرسام و ذات الجنب و مانند آن و بسیاری
ف ل ۲۰ مرگ حیوانات والله اعلم فصل بیستم

در حکم غبار اگر در اینماه غبار در هوا پیدا شود دلیلست
بر خروج کردن خوارج بر پادشاه خراسان و جنگ
و خصومت میان ایشان و رسیدن انواع مضرت
بر مردمان آنجا و ظفر یافتن پادشاه آخر الامر
بر دشمنان خویش و ایشانرا مقهور ساختن والله
ف ل ۲۱ اعلم فصل بیست و یکم در حکم تاریکی
اگر در اینماه تاریکی در هوا پدید آید دلالت کند
بر زبون گشتن زرع و میوه و خصومت و عداوت
مردمان با یکدیگر و کثرة اخبار اراجیف و بسیاری
ف ل ۲۲ مرگ حیوانات و حسرت اهل تجار والله اعلم
فصل بیست و دوم در حکم وزیدن
باد اگر در اینماه باد سخت بوزد دلیل است بر وفات
یکی از مردمان مشاهیر و وقوع خونریزش بسیار

وراث

در اکثر ممالک و ارزانی نرخها خاصه حبوبات و ۲۹
در این سال چهارپایان کمتر باشند و آفت بسیار
بایشان برسد والله اعلم فصل بیست و سیم
در حکم بانگ اگر در اثناه بانگ از هوا بشنوند دلالت
کند بر جنگ و خصومت امرا و لشکریان با یکدیگر
و امکان خونریزش بسیار و غم و اندوه عامه خلایق
و ناایمنی ولایات و دور از گذشتن زمستان و کثرت
برف و یخ بندو آفت رسیدن چهارپایان والله اعلم

ف ل
۲۳

فصل بیست و سیم در حکم بانگ اگر در
اثناه بانگ از هوا بشنوند دلالت کند بر جنگ
و خصومت امرا و لشکریان با یکدیگر و امکان خونریزش
بسیار و غم و اندوه عامه خلایق و ناایمنی ولایات
و دور از گذشتن زمستان و کثرت برف و یخ بندو آفت
فصل بیست

ف ل
۲۴

فصل بیست و چهارم در حکم بانگ اگر در ۳۰
اثناه بانگ از زمین بشنوند دلالت میکند بر هلاک پادشاه
آنجا و خصومت و عداوت مردم با یکدیگر که آب چشمها
در رودخانه و کرهای عظیم بجوشند و تابستان والله اعلم

ف ل
۲۵

فصل بیست و پنجم در حکم زلزله اگر در اثناه
زلزله واقع شود دلیلست بر مرگ مردمان مشاهیر
و معارف و بسیاری نم و باران و اگر زلزله بطول
انجامد دلیل است بر قحطی و گرانی نرخها خاصه در ولایت
روم و تلف شدن چهارپایان و نقصان اشجار و اگر
زمین لرزه بر روز لیه آنچه مذکور شد بیشتر بوقوع انجامد
و اگر بار زلزله حرکت بسیار دو دلالت میکند بر فوت پادشاه
مغرب زمین و ظفر یافتن بر دشمنان خود و موت
بسیار در ولایت خراسان و بابل اما در ولایت
فارس

فارس خونریزش بسیار سخت وقوع پذیرد و اگر
ماه سی روز تمام بود دلالت کند بر عداوت و مخالفت
لشکریان پادشاه ولایت بابل و وقوع فتنه و آشوب
خلعه در ولایت شام و ارزانی نرخها و اگر ماه یک
روز کم بود دلالت بر بسیاری نم و باران چنانچه
از انتفاع آفت رسد و بیماریهای صعب منتشر شود
و اگر بوقت زلزله آوازی بشنوند دلالت بر جنگ
و خصومت مردمان بایکدیگر و بودن خونریزش بسیار
و اگر نم و باران در زیاده آب چشمها و رودخانها و اگر
زلزله بشب واقع شود دلالت کند به مرگ بسیار از
امراض مختلفه و عداوت مردمان بایکدیگر و بودن گرمای
عظیم در تموز والله اعلم باب سیم در احکام
ابار ماه رومی سی روز تمام بود و چون روز چهارم وی

باب ٣

شود ستاره بطین بر آید و زبره فرو شود و زور منجم
وی ستاره ثریا بر آید و اکلیل فرو شود اما در این ماه بادهای
مخالف بسیار وزد و آبها کم شود سوای نیل مصر که در
این ماه زیاده شود و غذاهای این وقت چیزهای مدبر باید
و از بعضی غذاها باید پرهیز کرد مثل گوشت گاو و شیر
و ماست که در اصل کم باید خورد تا وجود ایشان همه سالم
باشد والله اعلم فصل اول در حکم کسوف
اگر در این ماه کسوف آفتاب واقع شود دلالت
بر حادث شدن حوادثات عظیم و پدید آمدن
رسمهای نو در طبقات و مذهبها و ناایمنی ولایات و کثرت
اخبار اراجیف و امکان نقصان میوها و حبوبات
و اگر رنگ آفتاب بوقت کسوف گرفته یا سرخ بود دلالت
کند بر جنگ و خصومت مردمان بایکدیگر و وقوع قتلهای ناحق

فصل ١

والله اعلم فصل دویم در حکم خسوف اگر
در اثنای ماه خسوف ماه در اول شب واقع شود دلیل است
بر قحط و گرانی نرخها و کثرت نم و باران و بعد از آن موت
بسیار خاصه در ولایت فارس و بابل و بسیاری مرغابیان
و عقاب خاصه در قهستان و آفت رسیدن اشجار
بتخصیص تاک و زبون گشت زراعت و نقصان
احوال اهل جبال و دهاقین و صحرانشینان و بعضی
از حکمای قدیم گفته اند که اگر در اثنای ماه خسوف بود دلالت
کند بر درهم و هراس مردم و نا ایمنی و آشفتگی ولایات
و بسیار بودن امراض مختلفه خصوصا درد سر و درد چشم
و نیز در ولایت مغرب زیان جنگ و خصومت و قتال بی
حد بسیار وقوع پذیرد و اگر رنگ ماه وقت خسوف سیاه
باشد دلیل است بر بسیاری موت زنان و دختران والله اعلم

فصل سیم در حکم دایره آفتاب اگر در اثنای ماه
دایره آفتاب واقع شود دلیل است بر شر و فتنه
در میان مردمان و نا ایمنی ولایات از سبب دزدان
و راه زنان و کثرت نم و باران و عدل و داد ملوک و سلاطین
و نیک حال رعیت و نیکوئی معیشت اهل زرع

ف ل ۴

فصل چهارم در حکم دایره ماه اگر در اثنای ماه دایره ماه
واقع شود دلیل است بر بسیاری جدال و قتال
و نهب و غارت و شبیخون و گرانی نرخها و اندوه عامه
خلایق والله اعلم فصل پنجم در حکم هلال

ف ل ۵

اگر در اثنای ماه هلال راست برآید دلیل است بر مرگ بسیار
و بیماریهای صعب و ضعف احوال حیوانات
و اگر یک جانب هلال برخاسته بود دلالت کند بر نیکوئی
احوال مردم و بسیاری اطعمه و اشربه و ارزانی نرخها

اگر ماه سیم و چهارم در آخر سال دلیلست بر عداوت
و خصومت ملوک و سلاطین با یکدیگر و طمع کردن بر
ولایت هم و راست شدن صفوف قتال و گرفتاری
سران سپاه و نیز دلیلست که بسیاری از امرا و لشکریان
پادشاه آمده بار التجا به پادشاه دیگر برند بعد از وقوع
آن واقعه پادشاهی از جانبی پیدا شود و آن پادشاه را
مقهور سازد و پادشاه برگشته فرار کند والله اعلم
فصل ششم در حکم ستاره گیسودار اگر در این
ماه ستاره گیسودار پدید آید دلیلست بر موت بسیار
و زبون گشتن زراعت و گرانی خصوصاً در ولایت
بابل اما در ولایت یمن و طایف و طرف بادیه ارزانی
بیقیاس واقع شود و مردمان آنجا را انواع راحت
برسد والله اعلم فصل هفتم در حکم افتادن

ستاره

ستاره اگر در این ماه ستاره بزرگ سفید دلیل است بر
عداوت و خصومت مردم با یکدیگر و اتفاق هلاک مردم
مشاهیر آن ولایت و اگر ستاره بغایت بزرگ و سفید دلیل
است بر انواع خرابی ولایت مشرق زمین والله اعلم

ف ل ۸

فصل هشتم در حکم قوس و قزح اگر در این ماه
قوس و قزح بجانب مشرق نمودار شود دلیلست بر غضب
ملوک و سلاطین بر امرا و لشکریان خویش و تلف شدن
حیوانات خصوصاً گوسفند و بسیاری نباتات زمین
و اگر بجانب مغرب پدید آید دلیلست بر ظفر یافتن پادشاهان
اسلام بر دشمنان خویش و بودن فتنه و آشوب
و بجهت هراس مردم و امکان نم و باران والله اعلم

ف ل ۹

فصل نهم در حکم حربه اگر در این ماه حربه بجانب
مشرق در آسمان پدید آید دلیلست بر تنگی گشت

و زراعت

و زراعت و بسیاری نباتات و وقوع بیماریهای
صعب و کثرت نم و باران و نیکو بودن محصولات
فصل دهم در حکم سرخی اگر در این ماه سرخی
در آسمان بجانب مشرق نمودار شود دلالت کند
بر نیکوئی کشت و زراعت و بسیاری نباتات
و زیادتی آب چشمها و رودخانها خصوصا در مشرق
زمین اگر بجانب مغرب پدید آید دلیل است
بر آنچه مذکور شد که در ولایت مغرب بظهور رسد
والله اعلم فصل یازدهم در حکم عجایب
اگر در این ماه عجایب در آسمان نمودار شود دلیلست
بر کینه و مکر امرا و لشکریان با ملوک و سلاطین و رسیدن
انواع تشویش بر پادشاه اما در اواخر ظفر پادشاه را
بود و نیز دلیلست بر نا ایمنی ولایات و قحطی و گرانی

نرخها و رسیدن تشویشات بر مردم خصوص
مردمان شهر والله اعلم فصل دوازدهم
در حکم شخصی که در هوا پیدا شود اگر در این ماه صورت
شخصی در آسمان نمودار شود دلیلست بر بیرون
آمدن خوارج با ملوک و سلاطین و بودن فتنه و قتال
و جدال و وقوع قتلهای ناحق و غم و اندوه مردم
و بودن زلزله و بیماریهای صعب و موت بسیار
و نقصان احوال اهل تجار از سبب دزد و راه زنان
والله اعلم فصل سیزدهم در حکم رعد
اگر در این ماه رعد بغرد دلالت کند بر بیماریهای
صعب و موت بسیار و کثرت نم و باران
و اگر در وقت غریدن رعد ماه زاید النور بود
دلیلست بر زبونی نباتات و تلف شدن حیوانات

و اگر ماه ناقص النور بود دلالت کند بر
بیماریهای صعب خصوصا در سال آینده و ارزانی
نرخها و بسیاری اطعمه و اشربه و بود نیکو و باران
اما گوسفند را فی الجمله آفت برسد والله اعلم

فصل ۱۴

فصل چهاردهم در حکم برق اگر در اثناه
برق بسیار جهد دلالت کند بر فتنه و آشوب
و جدال و قتال و راست شدن صفوف
جنگ و گرفتاری سران سپاه و گرانی نرخها
و منقطع شدن راهها از سبب دزدان و راه
زنان و بسیاری فساد و خصومت در میانه
مردم والله اعلم

فصل ۱۵

فصل پانزدهم
در حکم صاعقه اگر در اثناه آتش برق
بیفتد دلالت کند بر ناایمنی ولایات و بیم از

و هراس مسافران از سبب دزدان و راه زنان
و غله و نباتات زمین کمتر بود خاصه در آخر سال
و نیز دلالت کند بر نقصان رسیدن مردم از دزدان
بسیار و تلف شدن اکثر حیوانات والله اعلم

فصل ۱۶

فصل شانزدهم در حکم باران اگر در اثناه
باران بسیار ببارد دلالت کند بر غضب پادشاه
مغرب زمین با خاصان و اقربای خود و رسیدن
انواع ستم از ملوک و سلاطین نسبت بحال رعیت
اگر باران بیحد ببارد دلالت کند بر قحطی و گرانی
و غم و اندوه مردم اندیار والله اعلم

فصل ۱۷

فصل هفدهم
در حکم تگرگ اگر در اثناه تگرگ ببارد دلالت
کند بر کشته شدن یکی از پادشاهان معظم و تلف شدن
مردم بسیار از لشکریان و آفت رسیدن حیوانات

والله اعلم فصل هیجدهم در حکم خاک
سرخ اگر در اینماه خاک سرخ ببارد دلیلست بر جنگ
وخصومت مردم با یکدیگر وظلم وستم ملوک وسلاطین
بر رعیت وکمی باران وزبونی کشت وزراعت
ووقوع قحطی وگرانی صعب خاصه در ولایت
هند وزنگبار فصل نوزدهم در حکم وزغ
اگر در اینماه وزغ وکرم ببارد دلیلست بر ملال
خاطر عامه خلق از سبب جور وظلم ملوک وسلاطین
وبر نقصان کسب ومعیشت مردم وناامنی
ولایات وگرانی نرخها وکمی اطعمه واشربه والله
اعلم فصل بیستم در حکم غبار اگر در اینماه
غبار صعب پیدا شود دلیلست بر ظهور کردن
پادشاه نو وعدل وداد وزبونی کشت وزراعت

وکمی آبها

ف ل ۱۸

ف ل ۱۹

ف ل ۲۰

وکمی آبها ونباتات زمین وبعون بیماریهای صعب
وبسیاری میوه‌ها وارزانی نرخ انگبین ودر این سال
مردم بلا آسایش ورفاهیت بسر برده شود والله
اعلم فصل بیست ویکم در حکم تاریکی
اگر در این ماه تاریکی پدید آید دلالت کند بر وفات
بعضی از مردمان مشاهیر ومعارف ونقصان اهل تجار
وسیاحت از سبب دزدان وراهزنان وزبونی
محصولات اشجار اما غله واطعمه بسیار بود والله اعلم
فصل بیست ودوم در حکم باد سخت
اگر در اینماه باد سخت بوزد دلیل است بر
غضب بعضی از ملوک وسلاطین بر امرا ولشکریان
خود وهلاک شدن خلق انبوه از لشکر وی ومتهم
شدن از لشکریان خود ودوری جستن ازان وگران

شدن تخک

ف ل ۲۱

ف ل ۲۲

۴۳

شدن نرخها و بیماریهای صعب مثل صفرا و تب
گرم و یرقان اما عاقبت بخیر بود والله اعلم

ف ل ۲۳

فصل بیست و سیم در حکم بانگ اگر
در اینماه بانگ از هوا بشنوند دلالت کند بر جدال
و قتال و نهب و غارت و شبیخون و منازعت
نمودن ملوک و سلاطین با یکدیگر و طمع نمودن بر ولایت
هم و راست شدن صفها و گرفتاری سران سپاه
و خرابی اکثر ولایات و غم و اندوه عامه خلایق و همه
اندیشه ناک و هراسان بودن از سبب خصومت ملوک
والله اعلم

ف ل ۲۴

فصل بیست و چهارم در حکم
بانگ اگر در اینماه بانگ از زمین بشنوند دلیل است
بر جنگ و خصومت و قتال و جدال و بسیاری مرگ
مفاجات و آفت رسیدن میوه و نقصان در معیشت

مردم از سبب

۴۴

مردم از سبب بیکسی والله اعلم

ف ل ۲۵

فصل بیست و پنجم
در حکم زلزله اگر در اینماه زلزله مشاهده افتد دلالت
بر عداوت و منازعت پادشاهان با یکدیگر و ناایمنی
ولایات و بسیاری موت از سبب طاعون و سکته
خصوصا در ولایت فارس و هند و بسیار بودن اسقام
میوه‌ها و اگر زلزله بشب واقع شود دلالت کند بر ناایمنی
و آشفتگی ولایات خصوصا ولایت بابل و خراسان
و بسیاری موت اطفال و تلف شدن جمیع اناث
بتخصیص گوسفند و گاو و اگر با زمین لرزه تگرگ ببارد
دلالت کند بر جنگ و خصومت پادشاهان با یکدیگر
و راست شدن صفوف قتال و دست وا دادن حرب
عظیم و کشته شدن یکی از پادشاهان معظم اگر در اثنا
زمین لرزه مانند حربه پدید آید دلالت کند بر ظفر

[illegible]

یافتن پادشاه اسلام پناه بر دشمنان خود و امکان
بیماریهای صعب و بسیاری غله و میوه و نباتات
زمین و این سال بغایت پسندیده و خوب واقع شود
والله اعلم **باب چهاردم** در احکام حزیران
ماه رومی بدانکه حزیران سی روز بود و روز نهم وی ستاره
دبران بر آید و قلب فرو شود و روز هفدهم وی ستاره
هقعه بر آید و شوله فرو شود اگر بوقت بر آمدن دبران
ابر باشد دلالت کند بر نیکو گذشتن سال و بسیاری
میوه ها و وفات پادشاهی یکی از پادشاهان ولایت خطا
و ختن اما بباید دانست که در این فصل آتش صفرا
تیز شود و غذای این فصل چیز سرد و تر باشد مثل
ماهی تازه و گوشت بزغاله و گوشت خروس بچه و شیر
دوغ ماست و از بسیاری خوردن شراب و از جماع کردن
زیاده احتراز

زیاده احتراز باید کرد و بوهای خوش بکار بباید داشت
مثل عنبر و گلاب و امثال آن تا وجود انسان از حد
اعتدال عدول نجوید والله اعلم **فصل اول**
در حکم کسوف اگر در این ماه کسوف آفتاب واقع
شود دلالت بر وفات پادشاهی یکی از مردمان مشاهیر
و اگر بوقت کسوف رنگ آفتاب بر روشنائی تمام بود
دلالت کند بر حرکت نمودن یکی از پادشاهان از جای
خود و رفتن بولایت پادشاه دیگر و دست دادن
محاربات عظیم در میان ایشان اما در آخر حال
ظفر پادشاه سفر بر آید و پادشاه آنجا را مقهور
سازد و بر تخت او قرار گیرد والله اعلم **فصل دویم**
در حکم خسوف اگر در این ماه خسوف ماه واقع شود دلالت
بر جور و ظلم ملوک و سلاطین بر رعیت و بعد گرانی عظیم
پیدا

ورسیدن انواع رنج بر مردم از کثرت گرما و گرانی
و قحطی صعب در ولایت فارس و بابل و بسیاری بیماریها
از امراض مختلفه مثل یرقان و تبهای گرم حصول در ولایت
مغرب زیان بود و وقوع فتنه و آشوب در کوه پایها و بیابان
مردمان صحرانشین و کثرت نم و باران و بسیاری
میوه و مرغابیان و ماهیان و اگر نیمه شب با نزدیک صبح
گرفته بود دلالت کند بر مرگ بسیار در فارس و بلخ
و اگر بوقت خسوف رنگ ماه سیاه باشد دلالت کند
بر هلاک شدن یکی از بزرگان هند و کثرت اخبار اراجیف
و پیدا شدن ملخ اما به کشت و زراعت نقصان کمتر
رساند و اگر رنگ ماه بوقت خسوف سرخ بود دلیلست
بر بسیاری مرگ زنان و دختران والله اعلم
فصل سیم در حکم دائره آفتاب اگر در اثناء

دائره آفتاب واقع شود دلیلست بر نیکوئی
کشت و زراعت و بسیاری نباتات و حبوبات
و ارزانی نرخ اطعمه و زبونی کشت و معیشت مردم
و اما خرما و کنجد در این ماه کمتر بود والله اعلم

ف ل ۴

فصل چهارم در حکم دائره ماه اگر در اثناء
دائره ماه واقع شود دلیلست بر عدل و داد ملوک
و سلاطین بر رعیت و نیکوئی کشت و زراعت
و کثرت نم و باران و زیادتی آب چشمها و رودخانها
و بسیاری نباتات زمین اما انگبین و روغن و خرما کمتر بود

ف ل ۵

والله اعلم فصل پنجم در حکم هلال اگر در ابتدا
ماه هلال راست بر آید دلیل است بر کمی باران
و آب چشمها و کاریزها و وزیدن بادهای مخالف و
اگر یکجانب هلال برخاسته بود دلالت کند بر زلزله

کشت و زراعت و نقصان در کسب و معیشت
مردم و امکان بیماریهای صعب و ناایمنی ولایات
از سبب دزدان و راهزنان و لیکن موت بسیار در
اکثر ممالک والله اعلم فصل ششم در حکم ستاره
گیسودار اگر در اینماه ستاره گیسودار برآید دلیل است
بر وبا و هراس خلایق و لیکن بیماریهای صعب و گرانی
اطعمه و اشربه و پدید آمدن فساد در میان مردمان اگر
با این ستاره شکل حربه بجانب مشرق بلند شود دلالت
کند بر تغلب و تصرف نمودن پادشاهان بعضی از
شهرها و رسیدن انواع ستم بر رعیت آن مواضع و لیکن
مرگ بسیار در ولایت اعراب و اگر بجانب مغرب
نمودار شود دلیلست بر دست دادن جنگ و عداوت
میان لشکریان و ارباب مناصب و غارت یافتن اموال

ف ل
٦

ایشان و پدید آمدن

ایشان و پدید آمدن اختلاف در میان لشکریان
و عامه خلایق و لیکن قحط و گرانی در ولایت فارس
و اما در ولایات دیگر غله ارزان گردد والله اعلم
فصل هفتم در حکم افتادن ستاره اگر در اینماه
ستاره بزرگ بیفتد دلالت کند بر قحط و گرانی نرخها
و بیماری مرگ حیوانات و آفت رسیدن میوه‌ها
و کمی کسب و معیشت مردمان و نقصان حال تجار و سیاحت
و اگر ستاره بغایت بزرگ و پر روشنائی بیفتد دلالت
کند بر موت مردمان مشاهیر و ارباب جاه خصوصا در ولایت
که ستاره بدانجانب بیفتد والله اعلم فصل هشتم
در حکم قوس و قزح اگر در اینماه قوس و قزح بجانب
مشرق نمایان شود دلیلست بر غضب پادشاه از سلاطین
عظیم الشان بر مردم ولایت خود و رسیدن انواع خرابی

ف ل
٧

ف ل
٨

بهم خود برآید

بدیجه بر اکثر مواضع و المنه و فتنه و قتال و جدال
در میان مردمان و رسیدن مضرت بر توانگران
و بزرگان دیار مخالف امرا و لشکریان با پادشاه
بر ایشان و کشته شدن اکثر بزرگان الجماعت
و اگر بجانب مغرب بیند دلالت میکند بر عداوت
و خصومت مردمان بر یکدیگر و امکان محاربه و
مقاتله و قحط و گرانی خصوصا در ولایت فارس
و اعراب والله اعلم فصل نهم در حکم
حربه اگر در اثنای حربه بجانب مغرب دیده شود
دلیل است بر عزو مخالفت پادشاه آذربایجان و تصرف
آوردن ولایت دیگر اما موت بسیار واقع شود
خصوصا از مفاجات و یرقان و اگر بجانب مشرق
پدید آید دلالت میکند بر عذر و مکر امرا و لشکریان

د ل
۹

با ملوک و سلاطین

با ملوک و سلاطین و دست دادن محاربات
عظیم در میان ایشان و پدید آمدن ضعف تمام
در میان رعیت و لشکری اما آخر الامر پادشاه
بر دشمنان خویش ظفر یابد و ایشان را مقهور
سازد و بیماریهای صعب بسیار بود خاصه در ولایت ری
فارس و حیوانات را آفت رسد بتخصیص گوسفندان
و گیاه و نبات زمین بسیار بود والله اعلم بالصحة
فصل دهم در حکم عجائب اگر در اثنای
عجائب در آسمان دیده شود دلیلست بر جنگ
و خصومت ملوک و سلاطین با یکدیگر و گرانی نرخها
و بودن سرمای عظیم در فصل زمستان و اگر بجانب
مغرب دیده شود بدانکه ذکر شد در ولایت مذکور
بوقوع انجامد والله اعلم فصل یازدهم

د ل
۱۰

د ل
۱۱

در حکم

در حکم سرخی اگر در اثنای ماه سرخی در آسمان
پدید آید دلیل است بر ناایمنی و آشفتگی ولایات
و کمی اطعمه و گرانی نرخ‌ها و زبونی کسب و معیشت
مردم و تلف شدن حیوانات و غم و اندوه مردمان
خصوصا اهل تجار و سیاحت از سبب دزدان
و راه‌زنان و بسیار بودن قطاع الطریق والله
اعلم فصل دوازدهم در حکم شخصی
در هوا پیدا شود اگر در اثنای ماه صورت شخصی در هوا
پیدا شود دلیل است بر جنگ و عداوت ملوک و
سلاطین با یکدیگر و دست دادن محاربات عظیم
در میان ایشان و کشته شدن یکی از سلاطین
عظیم الشان در اثنای حرب و رسیدن انواع
رنج و ستم بر رعایا و غم و اندوه عامه خلایق و بسیار

ذ ل
١٢

ذ ل
١٣

و بسیار بودن اخبار اراجیف والله اعلم
فصل سیزدهم در حکم رعد اگر در اثنای ماه رعد
بغرّد دلیل است بر هلاک جمعی از بزرگان و مردمان
مشاهیر و پریشان گشتن احوال مردمان و اگر رعد
سخت بغرّد چنانچه مردم از صدای وی هراسان
شوند دلیل است بر جنگ و فتنه و جدال و قتال و خونریزی
بسیار که در میان مردمان سمت وقوع پذیرد و اگر
تاثیرات مذکوره در ولایتی شود که رعد بغرد چنانچه
مردمان آن شهر از وطن خود جلا نموده به بلاد دیگر متوجه
شوند و اگر با غریدن رعد ماه زاید النور بود دلیل است
بر خشم و غضب خدا تعالی بر مردمان آنجا از
سبب معصیت و فسق که از ایشان بظهور رسد
و اگر وقت غریدن رعد ماه ناقص النور باشد دلیل است

بر آنکه آنچه مذکور شد سال آینده بوقوع انجامد والله
اعلم فصل چهاردهم در حکم برق اگر

ف ل ۱۴

در اینماه برق بجهد دلیل است بر کمی نم و باران
و زبون گشتن زراعت و نباتات زیان و نقصان
در کسب و معیشت مردم و پدید آمدن اختلاف
و فتنه در میان مردمان و بسیاری اخبار اراجیف والله
اعلم فصل پانزدهم در حکم صاعقه اگر

ف ل ۱۵

در اینماه آتش صاعقه بیفتد دلیلست بر عداوت
و خصومت ملوک و سلاطین با یکدیگر و دست دادن
محاربات عظیم در میان ایشان و کشته شدن
خلق انبوه از طرفین و ناایمنی و آشفتگی دلها
و گرانی نرخ و بسیاری غم و اندوه مردمان والله اعلم
فصل شانزدهم در حکم باران اگر در اینماه

ف ل ۱۶

باران سخت بیارد دلیلست بر کمی کسب و
معیشت مردم و بسیاری بیماریهای صعب خصوصا
در آخر سال اما در این سال اطفال بسیاری در رحم
مادر ضایع شود والله اعلم فصل هفدهم

ف ل ۱۷

در حکم تگرگ اگر در اینماه تگرگ بیارد دلالت
کند بر پدید آمدن جنگ و فتنه و خونریزی بسیار در میان
خلایق و ناایمنی بودن دلها و گرانی نرخ و قحطی
اطعمه و غم و اندوه مردمان و وقوع بیماریهای صعب
خاصه اطفال را والله اعلم فصل هجدهم

ف ل ۱۸

در حکم خاک سرخ اگر در اینماه خاک سرخ بیارد دلالت
کند بر عدل و داد پادشاهان بر رعیت و خوبی کسب
و معیشت مردم و ایمنی دلها و کمی نم و باران
و آبها و غله و حبوبات بسیار بود والله اعلم

ف ل
۱۹

فصل نوزدهم در حکم ملخ اگر در اثنای ماه ملخ بسیار شود
دلیلست بر آفت کشت و زراعت و قحطی
و گرانی نرخها و غم و اندوه مردمان از سبب بیمی
و ناایمنی والله اعلم

ف ل
۲۰

فصل بیستم در حکم غبار
اگر در اثنای ماه غبار صعب پدید آید دلیلست بر عداوت
و خصومت پادشاهان با یکدیگر و واقع شدن قتال و جدال
و خونریزش بسیار و قطع شدن راهها از سبب دزدان
و راهزنان و کمی نم و باران و آبها و نباتات زمین و خشک
شدن سال و بعد از گرمای عظیم در فصل تموز و ناایمنی و اختلال
ولایات و بسیار شدن اخبار اراجیف والله اعلم

ف ل
۲۱

فصل بیست و یکم در حکم ستاره اگر در اثنای ماه ستاره دار
دمدار پدید آید دلالت کند بر مخالفت و عداوت
پادشاهان با یکدیگر و واقع شدن حرب عظیم در میان
ایشان و کشته شدن

ایشان و کشته شدن خلق بسیار از طرفین و گرانی شدن
نرخها و غم و اندوه مردمان از سبب بلا و قحطی و گرانی والله اعلم

ف ل
۲۲

فصل بیست و دوم در حکم باد اگر در اثنای ماه باد سخت
بوزد دلیلست بر قحطی و گرانی تمام در ولایت هند و زنگبار
و بطول انجامیدن غم و اندوه در میان مردمان و غرق شدن

ف ل
۲۳

کشتیها از سبب بادهای مخالف والله اعلم فصل بیست و سیم
در حکم بانگ اگر در اثنای ماه بانگ از هوا بشنوند دلالت کند بر
جنگ و خصومت امرا و لشکریان با یکدیگر و بعد از بیماریهای
صعب و مرگ مفاجات و افتادن ریختن میوه‌ها و بیمی و کمی
معیشت مردم و آمدن باران بسیار واقع شود و نباتات

ف ل
۲۴

زمین نیکو باشد والله اعلم فصل بیست و چهارم
در حکم بانگ زمین اگر در اثنای ماه بانگ از زمین بشنوند دلیلست
بر عداوت و مخالفت پادشاهان با یکدیگر و بودن قتال
و جدال و خونریزش

و جدال و خونریزش بسیار و هلاک شدن یکی از پادشاهان بود و
غم و اندیشه بودن مردمان و آفت رسیدن میوه‌ها و کمی گیاه و نباتات
زمین و بسیار بودن خبرهای اراجیف والله اعلم

فصل بیست و پنجم در حکم زلزله اگر در این ماه زلزله
واقع شود دلیل است بر جنگ و خونریزش بسیار در میان
مردمان ولایت یونان و کفار و هلاک شدن پادشاهان
ایشان و بسیاری مرگ زنان و دختران خاصه در آخر سال
و خوبی محصولات اشجار اما در آخر سال تابستان بادهای
سخت بسیار بوزد و نیز دلیل است که شهری از شهرهای
ولایت بابل خراب شود و جمعی از ارباب مناصب و مقربان
ملوک هلاک شوند و بعد از این واقعه پادشاه نیز هلاک شود و اگر ماه
تازیان سی روز بود دلیل است بر غالب شدن بیم و هراس
بر مردمان و اگر سی و یک روز بود دلالت کند بر ظفر یافتن

پادشاه بر دشمنان

پادشاه بر دشمنان خویش و مشهور شدن خاصان او
نیکو بودن کشت و زراعت در این سال اما در ولایت
فارس خرابی بسیار واقع شود باب پنجم در احکام تموز
ماه رومی بدانکه تموز ماه رومی سی و یک روز بود تحویلش روز وی
وی ستاره مقعد بر آید و بطائم فرو شود و در روز چهارم وی ستاره
ذراع بر آید و بلده فرو شود و در این ماه قوت ضعیف شود و اخلاط
خلل پذیرد و در این ماه هم بسیار بود اما زود زوال پذیرد
و آبها زیاد شود و منفعت رسانند و در این وقت آبها خنک
و غذاهای سرد و تر خوردن اولی باشد مثل گوشت دراج و
بزغاله و امثال آن و میوه‌های سرد و تر بوییدن مثل کافور و
مورد و منفعت رسانند و پرهیز کردن از چیزهای گرم واجب
بود و جماع کمتر بود و بعضی از حکمای قدیم گفته‌اند که در آمدن
نم و باران از ماه تشرین الاول تا ماه حزیران بتجربه است

و نعمت پسندیده داشته اند و از شب هجدهم تموز تا بیست
و ششم در جایی که آسمان نمودار باشد نهند و بامداد روز مذکور
و هر او یکی پاره ببیند اگر افزون شده از گذشت بود دلیلست
که در آن سال نم و باران بسیار بود و اگر بنه فزون نبوده دلیلست
که در آن سال باران کمتر باشد والله اعلم چنانچه مذکور
شد شب هجدهم تموز ماه از برای تشرین الاول است
و نوزدهم تشرین الآخر و بیستم از برای کانون الاول و بدین
قیاس تا حزیران و از ماه تموز تشرین نگاه دارد و علم دیگر
آنست که در اول تموز از تخمی که خواهند از حبوبات از هر یکی
به مقدار یک برگ بهر گوشه بکارند و شب جایی بگذارند که آسمان
نمایان باشد و تا شانزدهم ماه بگذارند و روز هفدهم بر آن مقدار
نگاه کنند هر چه از تخمها پژمرده شده باشد و یا زرد گشته بدانند
که آن چیز نباید کاشت که سال آینده زبون خواهد بود و آنچه سبز

و نیکو گشته بود

و پاکیزه بود در سال آینده خوب خواهد یافت والله اعلم
و اگر شب هفدهم این ماه ابر باشد و تا شب هجدهم بماند دلالت
کند که در بیست و پنجم همین ماه باد مخالف سخت بوزد چنانچه
مضرت رسد والله اعلم فصل اول در حکم کسوف

ف ل ١

اگر در این ماه کسوف آفتاب واقع شود دلیلست بر مکر
و غدر بر اهل روم و فرنگ با یکدیگر و کم بهایی نمودن و مطلع بودن
امرا و اصحاب ولایت فارس بر پادشاه خویش و نیز دلالت
کند بر بسیاری مرگ و کمی آبها و نباتات و گیاه زیان والله
اعلم فصل دویم در حکم خسوف اگر در این ماه

ف ل ٢

خسوف ماه واقع شود دلیلست بر بسیاری نم و باران و
زیاد شدن آب چشمها و رودخانها چنانچه از کثرت آب
مردم را مضرت رسد و کشت و زراعت بغایت
نیکو بود اما ماهیان و مرغابیان کمتر باشند و اگر نیم شب گرفته

بیک بار و ...

باشد دلیل است بر ظفر یافتن پادشاه بر دشمنان خویش
و بودن خونریزی بسیار و اگر نزدیک بصبح گرفته باشد حیوانات
بسیار تلف شوند والله اعلم فصل سیم در حکم دایره
اگر در این ماه دایره آفتاب واقع شود دلیل است بر موت
ملوک و سلاطین و آشفتگی و نا ایمنی ولایات و غم و اندوه مردم
و بیم و هراس خلایق خصوصا از دزدان و راه زنان و نصرت
رسیدن اهل تجارت در سفر و کم شدن آبها والله اعلم
فصل چهارم در حکم دایره اگر در اینماه دایره واقع
شود دلیلست بر بسیاری نم و باران و نیکو شدن نباتات
و گیاه زمین و خصومت و عداوت مردمان با یکدیگر و کثرت
اخبار اراجیف والله اعلم فصل پنجم در حکم
هلال اگر در این ماه هلال راست بر آید دلالت کند بر بسیاری
باران و زیاد شدن آبها و اگر یکجانب وی برخاسته بود

ف ل ۳

ف ل ۵

دلالت کند

دلالت کند بر بسیاری مرگ شتر و اطفال و گرانی نرخ اطعمه
و اگر هر دو جانب وی برخاسته بود دلیلست بر مبارکی
سال و خوبی معیشت خلایق و اگر نیکو باشد دلیل است بر کمی
غله و گرانی اطعمه و البسه والله اعلم فصل ششم
در حکم ستاره گیسو دار پیدا شود دلالت کند بر تغییر هوا
و بیماریهای صعب و بسیار بودن امراض مختلفه و اگر محل
بر آمدن ستاره باشد از هوائی برج دلالت میکند بر وفات
یافتن پادشاه اندیار و در پیش گرفتن مردمان عملهای قبیح
پیش خدا اینها ناپسند باشد و هر که حیوانات بسیار بمیرد
و اگر وقت بر آمدن ستاره روشنائی ستاره متغیر شده باشد
دلیل است بر نا ایمنی آن ولایت و خوف و هراس
مردمان آندیار والله اعلم فصل هفتم در حکم
ستاره اگر در این ماه ستاره بیفتد دلیلست بر عداوت

ف ل ۶

ف ل ۷

وخصومت

وخصومت پادشاهان اندیار باشد و بود قتل وخونریزش
بسیار ورسیدن انواع رنج وتعب بر مردمان انولایت
وامکان قحطی وگرانی نرخها واگر ستاره طلوع نماید بزرگ
بیفتد دلیلست بر هلاک پادشاهان خصوصا ازجانب افتادن
ستاره والله اعلم فصل هشتم درحکم قوس
وقزح اگر درابتداه قوس وقزح بجانب مشرق نمودار شود
دلیلست بر بودن منازعات ومحاربات درمیان پادشاهان
مشرق زمین وغارت یافتن بعضی مواضع آنها ودراواخر
عداوت بر صلح وصلاح مبدل گردد وکشت وزراعت
ونباتات بغایت نیکو بود واگر بجانب مغرب بود نیز
دلالت کند بر جنگ وجدال میان پادشاهان فلسطین
ومصر وبودن قتلهای ناحق آنها ودر آخر مهمات بصلح قرار
گیرد وحیوانات بسیار تلف شوند واطعمه واشربه فراوان
گردد والله اعلم

ف ل
۸

والله اعلم
فصل نهم درحکم حربه اگر درابتداه حربه بجانب مغرب
مشرق دیده شود دلیلست بر نزاع بودن پادشاه اندیار بر احسانات
وخیرات وپیروی نمودن اهل الولایت پادشاه خود دران امور
مرضیه ونیکو بودن محصولات اشجار اگر بجانب مغرب بلند
دلالت کند بر عداوت وخصومت ملوک وحکام اندیار باشد و بر
وقوع یافتن قتلها وخونریزش های بسیار آنها ودر اواخر سال
ازجانبین بصلح راضی شوند ومردم را فی الجمله راحت رسد
والله اعلم فصل دهم درحکم سرخی اگر درابتداه
سرخی در آسمان بجانب مشرق دیده شود دلیلست بر
فتنه وآشوب درمیان مردم وبیم وهراس رعیت از
لشکریان واگر دیده شود دان الشمس بجانب قبله درخشد
دلالت کند بر قحطی وگرانی نرخها وبسیار بودن مرگ مفاجات
در ولایت هندوستان ونقصان کشت وزراعت درولایت

ف ل
۱۰

مذکور ارلیه بسیاری فتح تا مدت سه سال و اکر بجانب مغرب
نمودار شود دلالت میکند بر محاربات عظیم در میانه پادشاه
اسلام و پادشاه فرنک اما در آخر ظفر لیه‌لره والله اعلم

ف ل ۱۱

فصل یازدهم در حکم عجایب اکر در اینماه عجایب
در آسمان پیدا شود دلالت کند بر هلاک زنان آبستن و افتادن
بچه از شکم مادر و فنا ایمنی راهها از سبب و زوال فصل

ف ل ۱۲

دوازدهم در حکم شخص اکر در اینماه شخصی در آسمان
پیدا شود دلالت کند بر خطر دریا و اندوه مردم و قحط و فنا ایمنی
اهل کوهستانها از پادشاه جور و ظلم رسد فصل سیزدهم

ف ل ۱۳

در حکم رعد اکر در اینماه رعد سخت بغرد دلالت کند بر
میوها و انکور بسیار بود و اکر سخت بغرد از سردی بیم بود و
در میان نیسان ماه درختان را آفت رسد و اکر با رعد ماه
زائد النور بود دلالت کند بر برف بسیار و کمی غله و میوها و اکر ماه

ناقص النور

ناقص النور بود آنچه کفتیم در سال آینده بود و غله و نباتات
زمین بسیار بود و کیا اکم بود فصل چهاردهم در حکم برق

ف ل ۱۴

اکر در اینماه برق جهد دلالت کند بر قتل و غم و اندیشه مردمان
آن دیار و اخبار اراجیف بسیار اما غله و نباتات زمین و باران
بسیار بود فصل پانزدهم در حکم صاعقه اکر در اینماه صاعقه

ف ل ۱۵

بود دلالت کند بر بیماری صعب و قحط و تنکی و ملخ بسیار
بود و خونریزش و ترس و اندیشه مردمان و زیان تجار بود

ف ل ۱۶

فصل شانزدهم در حکم باران سخت اکر در اینماه
باران سخت بیارد دلالت کند بر فساد کشت و کرانی و
تباه شدن میوها و رنج مردم و خطر و غرق در دریای ولایات

ف ل ۱۷

فرنک بود فصل هفدهم در حکم تکرک اکر در اینماه
تکرک بسیار بود دلالت کند بر جنک و خصومت و خونریزی

ف ل ۱۸

و کرانی و قحط و تنکی و خبرهای اراجیف فصل هجدهم

در حکم

در حکم خاک سرخ اگر در اثنای خاک سرخ ببارد دلالت
کند بر مرگ چهارپایان و آشفتگی ولایت مشرق و هلاک پادشاه
بزرگ آن ولایت فصل نوزدهم در حکم وزغ و کرم
اگر در اثنای وزغ و کرم ببارد دلالت کند بر فساد و گرانی و غم
رعیت از جور پادشاه و زیان بازرگانان در شهرها فصل
بیستم در حکم غبار اگر در اثنای غبار از هوا پدید شود
دلالت کند در این سال شهرها را آفت رسد از آتش
و مرگ چهارپایان و خصومت و گفتگو میان مردم بسیار بود
فصل بیست یکم در حکم تاریکی اگر در اثنای تاریکی در هوا
پدید شود دلالت کند بر بیماری صعب خاصه مرگ جوانان
بود و نیز دلیلست که لشکریان از پادشاه ولایت عاصی
شوند و خرابی بسیار شود فصل بیست دوم در حکم
باد اگر در اثنای باد سموم بجهد دلالت کند که پادشاه بزرگ در
آن ولایت

ف ل ۱۹
ف ل ۲۰
ف ل ۲۱
ف ل ۲۲

آن ولایت بمیرد و آبها کم شود و مردم در اندیشه و غم باشند
از سبب جور پادشاه و آشفتگی و ناایمنی فصل بیست و سیم
در حکم بانگ در هوا اگر در اثنای بانگ از هوا بشنوند دلالت
کند بر قحط و ولایت مغرب بسبب جنگ و پادشاه بزرگ هلاک
شود و مرگ چهارپایان بود و هرگاه بانگ در اثنای از زمین بشنوند
دلالت کند بر مخالفت و خصومت ملوک و تنگی طعام و گرانی
و آشفتگی ولایات و ناایمنی و غم و اندیشه مردم و زیان
بازرگانان از سبب و زوال فصل بیست و چهارم
در حکم زمین لرزه اگر در اثنای لرزه در زمین واقع شود
دلیلست بر مرگ بسیار و بیم آن ولایت و باز زلزله اگر رعد
بود دلالت کند بر هلاک پادشاه بزرگ آن ولایت و خرابی
شهرها و محنت و بلای مردم آن ولایت و اگر زلزله بشب
بود دلالت کند که پادشاه مصر هلاک شود و وبا و خرابی
شهرها و فتنه

ف ل ۲۳
ف ل ۲۴

باب ششم در تابستان خاصه بود پرسش و خورش و شرو...

در احکام آب رومی اغسطس و بپارسی شهریور ماه آنکه

بدانکه این ماه سی روز بود روز یازدهم ستاره صرفه پدید آید و سعد

البلع فرو شود و روز بیست و چهارم اخبیه بر آید و سعد السعود

فرو شود و در این ماه اخلاط را تحلیل کم بود و گرما بجنبد

و بادهای شمال در شب بجهد غذای این وقت گوشت بزغاله

و ناردان و کدوی تر و خیار و ترنج و ماست موافق بود و بوهای

ریاحین و آب گل نیکو بود و جماع اندک باید کرد و پرهیز از

چیزهای گرم و داروی مسهل کند و حکمای قدیم روم را در این

ماه تجربه ایست و داستان این علم چنان است که روز

هیجدهم این ماه تا بیست و ششم وی هر روز از نماز دیگر تا شب

بلکه تا سحر ببینند اگر همه ماه روی آسمان ابر بود در نیمهٔ اول

تشرین اول بخواهد باریدن و کشف غران نیکو خواهد بود و اگر

نماز خفتن

نماز خفتن تا نیم شب ببینند و اندکه در نیمهٔ اول تشرین اول

باران بود و اگر از نیم شب تا سحر ببینند و اندکه در نیمهٔ آخر ماه

مذکور ببارد و بعد از آن وقت خرمن بود احتیاج نبود و نیکو است

فصل اول در حکم کسوف آفتاب اگر در این ماه کسوف

آفتاب شود دلالت کند بر مرگ پادشاه بزرگ و آشفتگی ولایت

و شورش مردم و نیکو شود غله و نباتات و نرخ میانه بود و

بازرگانان را از دزدان مضرت رسد فصل دوم

در حکم خسوف ماه اگر در این ماه خسوف ماه شود دلالت

کند که پادشاهان ولایت پسر الخ خود را بکنند و لشکریان

با کافران چینی جنگ و خصومت کنند و مظفر آیند و در ولایت

بابل خوارج با پادشاه جنگ کنند و غلبه کنند و مضرت با اهل

بابل رسد و نصرت پادشاه را بود و باران بسیار در زمستان

سرد و برف و یخ بسیار بود و بطرف شام خوارج غلبه کنند

و پادشاه

و پادشاه شام غالب آید و زنان حامله را سقوط شود و اگر
نیمه شب باشد و یا صبح گرفته شود کشت و غله نیکو بود و آشفتگی بود

فصل ۳

فصل سیم در حکم دایره اگر در ابتدای ماه دایره آفتاب بود
دلالت کند که مدت یک سال در ولایت آشفتگی بود و فتنه و مرگ
چارپایان و ارزانی و جنگ و غارتی میان رعایا و معیشت

فصل ۴

کم بود فصل چهارم در حکم دایره ماه اگر در ابتدای ماه دایره
ماه بود دلالت کند بر زیادتی چارپایان و وحش هلاک
شوند و ماهی و مرغابی آب بسیار و نبات زمین نیکو و ایمنی ولایت بود

فصل ۵

فصل پنجم در حکم هلال اگر در ابتدای ماه هلال راست بر آید
دلالت کند بر بسیاری میوها و اگر بطرف برخواسته بود زیادتی
غله و نباتات بود و اگر ماه محرم بود پادشاه بزرگی هلاک شود
و نا ایمنی ولایت بود و اگر هر دو جانب در هم آمده باشد

فصل ۶

قحط و تنگی و مرگ چارپایان بود فصل ششم در حکم ستاره
کیسودار اگر در ابتدا

کیسودار اگر در ابتدای ماه ستاره کیسودار بر آید دلالت کند
که دو پادشاه در عراق جنگ کنند و لشکریان کشته شوند و اگر
بجانب مغرب بینند در ولایت فارس و کرمان تا یک سال قحط بود
و مردم در محنت باشند و بیماریهای صعب بود و اگر پایان علامت
نگه بیارد در آخر سال نرخها ارزان گردد فصل هفتم در حکم ستاره اگر در ابتدای ماه ستاره

فصل ۷

در حکم قوس و قزح اگر در ابتدای ماه قوس قزح بجانب مشرق بماند که بیفتد دلالت کند بر مرگ
بود دلالت کند بر جنگ و قحط و خصومت ولایت مغرب پادشاه آن ولایت و جنگ و خصومت
و پادشاهی در آن ولایت کشته شود و قحط و تنگی و بیماری صعب بود و مردم با هم و نا ایمنی بسبب دزدان و جوبان
فصل نهم در حکم حربه اگر در ابتدای ماه حربه بجانب مغرب فراوان بود فصل هشتم در حکم

فصل ۹

بر آید دلالت کند که در این سال سباع بر چارپایان
و مردم مضرت رسانند و در ولایت فارس تاجر ایمان و مدینه
یک سال مردم را از دزدان مضرت رسد و مردم آن ولایت را

فصل ۱۰

ناسازگاری کنند اما عاقبت خیر بود فصل دهم در حکم
مرغی اگر در ابتدا

سرخی اگر در اینماه سرخی از جانب مشرق بینند دلالت کند
بر سرمای سخت در زمستان و برف و یخ بسیار و اگر در مغرب
بینند فتنه و جنگ و خصومت و خونریزی بود بجانب مغرب و
ظفر پادشاه مغرب را بود فصل یازدهم در حکم عجایب
اگر در اینماه عجایب در آسمان بینند دلالت کند بر بیماریهای صعب
و مرگ بسیار و غم و اندوه و بیم مردم و فتنه و آشفتگی خاصه در
ولایت بابل اما کشت و زرع و حبوبات بسیار بود
فصل دوازدهم در حکم شخص از هوا اگر در اینماه
شخص از هوا پیدا شود دلالت کند بر غم و اندوه مردم و خبرهای
اراجیف و هلاک پادشاه آن ولایت و رنج و بلا و فتنه اهل
رستاق و بعد از آن صلح و ایمنی بود فصل سیزدهم
در حکم رعد اگر در اینماه رعد بغرد خاصه در اول ماه دلالت
کند بر نبات زمین و درختان و میوه‌ها و کشت نیکو بود اما بیماریهای

ف ل ۱۱

ف ل ۱۲

ف ل ۱۳

گرم و خشک

گرم و خشک بسیار بود و اگر بار رعد بانگ از هوا بشنوند دلالت کند
که در آن سال بیماریهای صعب و تنگی و قحطی بود و بازرگانان را از سبب
دزدان زیان رسد فصل چهاردهم در حکم برق اگر در اینماه
برق بسیار درخشد دلالت کند بر غم و تشویش مردم و خبرهای اراجیف
و هلاک پادشاهان آن ولایت و بیماریهای ایشان و آشفتگی ولایت
بسبب دزدان و راه زنان فصل پانزدهم در حکم صاعقه
اگر در اینماه صاعقه بینند دلالت کند بر جنگ و خصومت و خونریزی
و سرمای سخت در زمستان و مخالفت پادشاهان با هم و بیم و ناایمنی
فصل شانزدهم در حکم باران اگر در اینماه باران سخت
بسیار و دلالت کند بر زیادتی آبها و چشمه‌ها و غله و حبوبات و بیماریهای
صعب و مرگ چهارپایان و در خاک آن کرده و بر مردم علتها پدید
آید فصل هفدهم در حکم [illegible] اگر در اینماه [illegible] بسیار و
دلالت کند بر گرانی نرخها و بیماریها و قحط و تنگی و جنگ و فتنه و خونریزی

ف ل ۱۴

ف ل ۱۵

ف ل ۱۶

ف ل ۱۷

[illegible]

وحرکت مفاجات و آشفتگی و نا ایمنی و فساد احوال مردم

و ل ۱۸

وظلم پادشاه بر رعیت فصل هجدهم در حکم خاک سرخ

اگر در اینماه خاک سرخ ببارد دلالت کند بر قحط و تنگی در ولایت

مصر و فرنگ و نا ایمنی بسبب دزدان و غم و اندیشه بازرگانان

و ل ۱۹

فصل نوزدهم در حکم درغ اگر در اینماه درغ و گرم ببارد

دلالت کند بر جنگ و خصومت پادشاهان باهم و اندیشه مردم

و بیماریها و فساد غله و آفت زرع و کار از خاصه در اول سال

و ل ۲۰

فصل بیستم در حکم غبار اگر در این ماه غباری صعب

پیدا شود دلالت کند بر جنگ و فتنه و خشک سال و کمی آبها و بارانها

و نبات زمین و زیان تجار و شهرها از آتش آفت رسد و بسیاری

و ل ۲۱

از متاع بسوزد و زلزله و نا ایمنی بود فصل بیست و یکم در حکم

تاریکی اگر در اینماه تاریکی پدید آید دلالت کند بر مرگ و بیماریهای

مردم و قحط و جنگ و خونریزی و مخالفت پادشاهان باهم و اخبار

اراجیف

و ل ۲۲

اراجیف و غم و اندیشه مردم فصل بیست و دوم

در حکم باد سخت اگر در اینماه باد سخت جهد دلالت کند بر

قحط و تنگی ولایت مغرب و هلاک مردم آنجا از جوع و مرگ چهارپایان

و ل ۲۳

و کمی نبات زمین و زرع از ملخ و بالا فصل بیست و سیم

در حکم بانگ از هوا اگر کسی در اینماه بانگ از هوا بشنود دلالت

کند بر بیماریهای صعب و هلاک لشکر بزرگ از در آن ولایت و سرمای

سخت در زمستان و آشفتگی و بیم مردم از دزدان و غم و اندیشه مردم

و ل ۲۴

فصل ~~چهلم~~ بیست و چهارم در حکم بانگ

از زمین اگر در اینماه بانگ از زمین بشنوند دلالت کند که پادشاه

آن ولایت را دشمنی پدید آید و در آن ولایت خرابی کند و بلاد ولایت

و ل ۲۵

بر او ظفر یابد و زلزله بود فصل بیست و پنجم در حکم

زلزله اگر در این ماه زلزله زمین بود دلالت کند بر بیماری و مرگ

و بیم و آشفتگی و غم و اندوه بسیار بر مردم آید و اگر باز زلزله رعد

بغرد و برق

لعنه و زمستان سخت بود و در ولایت بابل و ماچین فتنه
و خونریزش بود و اگر زلزله زلزله شب بود طعام و نعمت فراوان
بود و خیل پادشاه ولایت خروج کرده پادشاه را مضرت رساند
و نا ایمنی بسبب دزدان و غارت بسیار بود و خونریزی بود و بعد
از آن خیر ایمنی و صلح بود

باب هفتم در احکام اهول ماه

(باب ۷)

روی استوروس و بپارسی مهر ماه آمده آنکه اهول سی روز بود روز پنجم
وی ستاره حرفه بر آید و فرع المقدم فرو شود و در اینماه هوا خوش
بود و مسهل باید خوردن و انواع حلواها و گوشتها که بریان نهاده باید خورد و
دیگر ماهیها اندک باید رفتن و بوهای خوش و اندک بکار باید داشت
و خیار کمتر باید خورد

فصل اول در حکم کسوف

(فل ۱)

در اینماه اگر در این ماه کسوف آفتاب بود دلالت کند که مرد بزرگواری
هلاک شود و جنگ و فتنه رفتن لشکر بر سر اعدا و بیشتر را هلاک
شدن بود و پادشاه بهانه گریزد و اگر رنگ کسوف سرخ بود در اینماه

فتنه و خونریزی بسیار بود

فتنه و خونریزی بود

فصل دوم در حکم خسوف

(فل ۲)

اگر در اینماه خسوف ماه شود دلالت کند بر صلاح احوال پادشاهان
و بسیاری میوه و نبات زیاد و ملخ بسیار و کم زیان و اگر رنگ
خسوف سرخ بود انگبین و باران و درد چشم بسیار بود
و اگر بشب بود دلالت کند بر خروج خوارج و جنگ و فتنه و خونریزی
و ظفر پادشاه را بود و میوه و گندم و جو نیک بود و بعضی حکما گفته‌اند
که کمی آبها و چشمها و بالا نهادن رودها بود جنگ و خونریزی عظیم
در ولایت مغرب بود و اگر وقت صبح بود و ستاره بزرگ
نشان در آمده باشد پسر پادشاه پدر خود را بکشد و میوه و گندم بسیار بود

فصل سیم در حکم دائره آفتاب

(فل ۳)

اگر در اینماه دائره آفتاب پیدا شود دلالت کند که پادشاهی بجنگ کشته شود
و در میان لشکر قتل بسیار بود و آشفتگی ولایت و گرانی بود
و با خر سال ایمنی و نیکوئی بود

فصل چهارم در حکم

(فل ۴)

دائره ماه

دائره ماه اگر در اینجا دائره ماه بود دلالت کند بر کمی آبها و رودخانها
چشمها و کاریزها و بسیاری میوه‌ها و غرق کشتیها و نبات زمین بسیار نه
بود و ملخ بسیار و کم زیان باشد فصل پنجم در حکم ماه نو اگر در اینماه
ماه راست بر آید دلالت کند بر گرفتاری مردم را و اگر بجانب بر خواسته
باشد دلالت کند بر تندرستی و سلامتی مردم و کسب و معیشت و از
پادشاه بر رعیت عدل و انصاف بود و اگر در سر بهم آمده باشد
سال پسندیده چون نرخها ارزان و نیکو بود فصل ششم
در حکم ستاره گیسو دار اگر در اینماه ستاره گیسو دار بجانب
مشرق بر آید دلالت کند بر فتنه و خونریزی در ولایت فارس
و خوارج در زمین مغرب بر آیند و ظفر پادشاه را بود فصل
هفتم در حکم ستاره اگر در اینماه ستاره بزرگ بیفتد دلالت
کند بر مرگ چارپایان و مرگ کشتیها و هلاک پادشاه بزرگ بجانبی
که ستاره بیفتد و آشفتگی و تشویش مردم فصل هشتم

ف ل ۵

ف ل ۶

ف ل ۷

ف ل ۸

در حکم قوس

فصل هشتم در حکم قوس و قزح اگر در اینماه قوس
و قزح را بجانب مشرق بینند دلالت کند که در ولایت فارس
جنگ و خونریزی بسیار بود در میان پادشاه مشرق و قیصر روم
خصومت افتد و ظفر پادشاه مشرق را بود و بسیاری از
مردمان هلاک شوند و در ولایتها غله بسیار بود و در میان
پادشاهان بابل خونریزی بود و اگر بجانب مغرب بینند بسیاری
خرما و میوه‌ها و ارزانی بود و جنگ و خصومت در ولایت مغرب
باشد فصل نهم در حکم حربه اگر در اینماه حربه بجانب مشرق
بود دلالت کند که در میان مردم آنجا فتنه و خونریزی بود و اگر
بجانب مغرب باشد باران بسیار بارد و ایمنی و سلامتی
مردم آنجا را بود فصل دهم در حکم سرخی اگر در اینماه کسی
سرخی در آسمان بیند دلالت کند بر قحطی و تنگی طعام و خونریزی
در ولایت مغرب بود و در آخر سال صلح بود و خبر و ایلچی پدید آید

ف ل ۹

ف ل ۱۰

و از پادشاه

ف ل ۱۱

و ارباب شاه بر رعیت عدل و انصاف بود فصل یازدهم
در حکم عجایب اگر در اینماه عجایب در هوا پیدا شود دلالت
کند که اندرین سال مردم هلاک شوند و رعیت را از پادشاه رنج رسد
و نیز پادشاه بزرگواری در آنجانب هلاک شود و بازرگانان را

ف ل ۱۲

فصل دوازدهم در حکم شخص اگر در اینماه
مانند شخصی در هوا پیدا شود دلالت کند بر خصومت و خونریزی
میان ترک و امرا و اهل روستا را رنج رسد و پادشاه بزرگ هلاک شود

ف ل ۱۳

فصل سیزدهم در حکم رعد اگر در اینماه رعد بغرد دلالت
کند بر فساد شراب اگر شراب کسی خورد بیمار شود ولی غلها و حبوبات
خاصه در اول ماه و اگر پنجم ماه بود دلالت کند به بیماریهای گرم و
خشک و یرقان و مرگ کودکان و اگر هفتم ماه بغرد دلالت کند
بر ابر و باران و مرگ چهارپایان وحشی و اگر نهم ماه بغرد و زنان آبستن
بچه بیفکنند و درختان میوه را آفت رسد و اگر سیزدهم اینماه بغرد دلالت

کند بر ارزانی

کند بر مرگ جوانان و دختران و آفت انگور و غله خاصه
در آخر سال و اگر بیستم ماه بغرد مرگ چهارپایان و جانوران
بود و بسیاری غله و انگور و زیتون و صلح لشکریان و ولایت
و بسیاری باران و ارزانی بود و اگر در آخر ماه غرد بسیاری
ماهی و مرغان آید و میوه‌ها و ایمنی در راهها و فایده بازرگانان

ف ل ۱۴

بود فصل چهاردهم در حکم برق اگر در اینماه
برق بجهد دلالت کند بر قتل و مردم آزار و در غم باشند
و خبرهای اراجیف و غله و حبوبات و باران بسیار

ف ل ۱۵

بود فصل پونزدهم در حکم صاعقه اگر در اینماه
صاعقه بود دلالت کند بر کمی باران و نبات زمین
و آبها و مرگ گوسفندان و بیماریهای صفراوی و تبهای
محرق و بیکی مردم و ستم پادشاهان بر رعیت خاصه

ف ل ۱۶

در آخر سال فصل شونزدهم در حکم باران اگر

در اینماه

در اینماه باران سخت ببارد دلالت کند بر زیادتی غلها و ثمر و کشتها
و کسب مردم و اگر باران بسیار بود دلالت کند بر بیماریهای صعب
و مرگ پادشاه بزرگ و کمی معیشت مردم و ارزانی غله و نبات زمینی
نیکو بود فصل هفدهم در حکم خاک سرخ اگر در اینماه

ف ل ۱۷

خاک سرخ ببارد دلالت کند بر خشکی سال و کمی باران و چشمها
و غم و اندیشه مردم رعیت از مصادره و ظلم پادشاهان و آشفتگی
ولایت و مرگ چهارپایان و کمی غله و نبات زمینی بود
فصل هجدهم در حکم وزغ اگر در این ماه وزغ ببارد

ف ل ۱۸

دلالت کند بر بیماریها و علتهای صعب و مرگ مفاجات
و خصومت ملوک باهم و بسیاری مردم و مضرت تجار
و مرگ کودکان خاصه در آخر سال فصل نوزدهم

ف ل ۱۹

در حکم غبار اگر در اینماه غبار صعب پیدا شود دلالت
کند بر جنگ و خصومت مردم باهم و سختی زمستان و فراوانی

غله و حبوبات زمینی

غله و حبوبات زمینی و راحت مردم فصل بیستم

ف ل ۲۰

در حکم تاریکی اگر در این ماه تاریکی در هوا پیدا شود دلالت
کند بر حرکت پادشاهان و لایت و رنج و آشفتگی و بیماری
و بدی بازرگانان و خبرهای اراجیف فصل بیست و یکم

ف ل ۲۱

در حکم باد سخت اگر در این ماه باد سخت بجهد دلالت
کند که اندرین سال بسیار مردم از بزرگان و مهتران معروف
شوند و هلاک گردند و غم و اندیشه و تشویش مردم اما غله
و نعمت فراخ بود و مضرت بازرگانان از سبب دزدان
و خبرهای اراجیف بود فصل بیست و دوم

ف ل ۲۲

در حکم بانگ از هوا اگر در اینماه بانگ از هوا شنوند
دلالت کند که در این سال مرد بزرگواری هلاک شود
و بیماریهای صعب پدید آید و بازرگانان مضرت رسد
از سبب دزدان و خبرهای اراجیف و غم و اندیشه مردم بود

فصل

ف ل ۲۳

فصل بیست و سیم در حکم بانگ از زمین اگر در تیرماه
بانگ از زمین بشنوند دلالت کند بر جنگ ملوک و آشفتگی ولایت
و غم و اندیشه مردم و فساد میوه‌ها و فراوانی غله و نبات زمین و
بسیاری چیزهای اراجیف

ف ل ۲۴

فصل بیست و چهارم
در حکم لرزه زمین اگر در این ماه لرزه زمین بود دلالت کند بر گرانی
طعام و حبوبات و اگر ماه سی روز بود دلالت کند بر بسیاری
گوسفندان و ارزانی اندر جهان و اگر ماه بیست و نه روز بود دلالت
کند بر بادهای سخت و بیماریهای عظیم و اگر لرزه شب باشد
دلالت کند که نعمت و غله و نبات زمین و باران و آبها
بسیار بود و در ولایت هند و زنگبار مرگ و بیماری بسیار
بود و خراسان نیکو بود

باب ۸

باب هشتم برومی اخرادوک
بپارسی ابانماه آید اگر تشرین اول سی و یک روز بود روز
دوم از وی ستاره عوا بر آید و فرع المقدم فرو شود و روز

بیست و دوم از وی

پانزدهم از وی سماک بر آید و رشا فرو شود و روز بیست و نهم
از وی غفر بر آید و شرطین فرو شود و در اول ماه باد صبا از
مشرق جهد و در این ماه بادهای مختلف بسیار جهد و حرارت
غریزی قوی شود و فصد کردن و مسهل خوردن و جماع کردن
و گوشت لطیف خوردن و انار ترش و میوه‌ها منفعت دهد
و بحمام اندک باید رفت و از ریاضت پرهیز کردن و حکمای
قدیم گفته‌اند که اول این ماه اگر روز یکشنبه بود زمستان سخت
بود و تابستان هم و گاو و گوسفند و روغن و انگبین در این
سال بسیار بود و درختان میوه و زرع را آفت رسد
و بیماری زنان و مرگ بسیار و بر بچرا آفت برسد و اگر
شنبه بود زمستان سخت بود و برف و یخ بسیار بود و زکام
و نزله و سرفه بسیار بود و اگر روز چهارشنبه بود زمستان
میانه بود و بارانهای سخت بیارد و تابستان خوش بود و میوه

بسیار بود

بسیار بود و انگبین و مرگ عروان پیشه بود و اگر پنجشنبه
بود زمستان سخت سرد بود و برف اندک بارد و گل و میوه
بسیار بود و اگر جمعه بود زمستان میانه بود و گندم و جو و
انگور و حبوبات بسیار بود و مرگ کودکان بود و اگر
شنبه بود باد بسیار بود و زمستان سخت و برف و یخ
بسیار بود و جو و گندم کمتر بود و مرگ کودکان و بیماری
مختلف بود فصل اول در حکم کسوف اگر در اثنای
کسوف آفتاب بود دلالت کند که دشمنان پادشاه مسخر
پادشاه شوند و از ملخ زیان رسد و سه ماه باران کمتر آید و
در ولایت حبشه و زنگبار قحطی و ناایمنی بود
فصل دوم در حکم خسوف ماه اگر در اثنای خسوف
ماه شود دلالت کند که پادشاه فارس بدخو بود و کار دشوار
کند و در مغرب قحط و مرگ بود و در بابل کشت و زرع [illegible]

ف‌ل ۱

ف‌ل ۲

ترفت [illegible]

آفت شود

و مرگ گوسفندان بود و پادشاه بابل با دشمنان جنگ پیدا
شود و خونریزی بود و مرغان و ماهیان بسیار شوند و در ولایت
مغرب و مشرق فتنه و خونریزی بود مرد بزرگواری در مغرب
طلب پادشاهی کند و در این سال درد چشم و گری بسیار
بود و اگر بوقت کسوف رنگش سرخ بود در میانه گونه کارها
بود و چهار ماه آنها کم [illegible] از آن بسیاری باران بود و اگر نیمه
شب با نزدیک صبح گرفته بود گندم و جو کم و غوغا کردن بسیار
بود فصل سیم در حکم دائره آفتاب اگر در اثنای
دائره آفتاب بود دلالت کند که فتنه و جنگ در شهرها پیدا
شود و خصومت در میان مردم پدید آید و بازرگانان را از اشتغال
ولایت و حرامی رنج رسد فصل چهارم در حکم
دائره ماه اگر در اثنای دائره ماه واقع شود دلالت کند
بر بسیاری جنگ و فتنه و ناایمنی ولایت از سبب دزد و راه

ف‌ل ۳

ف‌ل ۴

فصل پنجم

فصل ۵

فصل پنجم در حکم ماه نو اگر در این ماه هلال رایت برآید
دلالت کند بر زمین لرزه و گرانی و رنج و سختی مردم و اگر بجانب
برخواسته باشد دلالت کند که باد بسیار باشد و درختان میوه خشک

فصل ۶

گردد و نبات زمین و کشت نیکو باشد فصل ششم در حکم
ستاره گیسودار اگر در این ماه ستاره گیسودار برآید
دلالت کند بر مرگ مردم و چهارپایان در زمستان قحط
و تنگی خاصه در دیار مغرب باشد و بلا و فتنه و کمی اسپها
و مرگ ماهیان دریا و خصومت میان پادشاهان و آشفتگی

فصل ۷

ولایت باشد فصل هفتم در حکم ستاره افتادن
اگر در این ماه ستاره بزرگ بیفتد بهر جانب که افتد جنگ
و فتنه و خونریزی در آنجانب باشد و مردم آنجا بار غم و اندوه

فصل ۸

و ناایمنی باشد فصل هشتم در حکم قوس و قزح
اگر در این ماه قوس و قزح بجانب مشرق پیدا شود دلالت

کند بر فتنه در

کند بر فتنه در آن ولایت و مرگ چهارپایان و پادشاه بابل هلاک
شود و اگر بجانب مغرب بیند دلالت کند بر سلامتی و راحت
و خوشدلی مردم و عدل و انصاف پادشاه بر رعیت و بعضی از
حکما گفته اند که فتنه و خونریزی در ولایت روم باشد و آشفتگی
ولایت فرنگ اما نعمت و غله فراوان باشد بآخر سال

فصل ۹

فصل نهم در حکم حربه اگر در این ماه حربه در آسمان
پیدا شود دلالت کند بر خصومت و خونریزی میان مردم
و هلاک بسیاری از ایشان و مرگ چهارپایان و اگر بمغرب بیند
دلالت کند بر مرگ پادشاه آن ولایت و اطاعت بندگان
وی خداوند و دیگر بلاد و نفع پادشاهان از بندگان و حرمت

فصل ۱۰

بازرگانان و تاجران و صلح و مصلحت باشد فصل دهم
در حکم سرخی اگر در این ماه سرخی ماه بجانب مشرق پیدا
شود دلالت کند بر فتنه و خونریزی و آشفتگی ولایت

[illegible]

واگر بجانب مغرب بود دلالت کند بر فراخی نعمت
و ایمنی ولایت و احوال مردم خاصه که ماه زائد النور بود

فصل ۱۱

فصل یازدهم در حکم عجائب اگر در اثنای ماه عجایب
در آسمان پیدا شود دلالت کند بر آفت میوه و جور پادشاه
بر رعیت و غم و اندوه مردم و کمی کسب و معیشت و بازرگانان

فصل ۱۲

فصل دوازدهم در حکم شخص اگر در اثنای ماه
شخصی در هوا پدید آید دلالت کند بر مرگ پادشاه بزرگ
و آشفتگی ولایت و کمی طعام و ناایمنی بازرگانان از سبب

فصل ۱۳

دزدان فصل سیزدهم در حکم رعد اگر در اثنای ماه
رعد بغرّد دلالت کند که مردی بزرگوار هلاک شود و اگر پنجم
یا ششم یا هفتم بغرّد دلالت کند که پادشاه شهرها گشود
و میوه و غله و انگور بسیار بود و اگر در هشتم بغرّد نبات
زمین و کشت زار خوب نیکو بود اما حال پادشاه بد بود و اگر

در نهم و دهم

در یازدهم بغرّد ملخ کشت را خراب کند و اگر سیزدهم بغرّد
گندم و جو بسیار بود و احوال ولایت خوش بود و اگر چهاردهم
بغرّد پادشاه را دشمنی پیدا شود و خراجها ایشان بسبب
اخراجات کم شود و اگر پانزدهم بغرّد دلالت کند بر سلامتی
مردم و صلاح و برکت سال و باران بسیار خاصه که ماه زائد
النور بود و اگر ناقص النور بود احکام در سال آینده بود

فصل ۱۴

فصل چهاردهم در حکم برف اگر در اثنای ماه برف ببارد
دلالت کند که برف بسیار و لشکر مشرق قصد مغرب
کنند و در ولایت مغرب آشفتگی بود و در روستای آید بارها

فصل ۱۵

از لشکر بیگانه و در راه زنان مضرت رسد فصل پانزدهم
در حکم صاعقه اگر در اثنای ماه آتش از هوا بیفتد دلالت
کند بر بیماری صعب و مرگ بسیار و غم و اندیشه مردم

فصل ۱۶

و مضرت تجار بسبب دزدان فصل شانزدهم

در حکم

در حکم باد باران اگر در ابتداء باران سخت بسیار و دلالت
کند بر زیادتی آبها و ایمنی ولایت و کسب بازرگانان و بلا ایمنی
زادن زنان حامله فصل هفدهم در حکم تگرگ اگر در
ابتداء تگرگ بسیار و دلالت کند بر مرگ بسیار در دیار بابل و خروج
جمعی بر پادشاهان اندیار و هلاک ایشان بدست پادشاه
و بسیار رنج رعایا از اموال ایشان فصل هجدهم
در حکم خاک سرخ اگر در ابتداء خاک سرخ بسیار و دلالت
کند بر مرگ مردم نامدار و نبات زمین و میوه بسیار و رعیت را
از پادشاه عدل و انصاف بود فصل نوزدهم
در حکم وزغ و کرم اگر در ابتداء وزغ و کرم بسیار و دلالت
کند بر بسیاری غله و نبات زمین و مرگ چهارپایان و غم
و اندیشه مردم و جور پادشاهان بر رعیت و بیماری بسیار
و کمی کسب مردم فصل بیستم در حکم غبار اگر در ابتداء

ف ل ۱۷ — ف ل ۱۸ — ف ل ۱۹ — ف ل ۲۰

غبار صعب در هوا پیدا شود و دلالت کند بر جنگ
و خصومت ولایت بابل و کمی باران و هلاک مردم بزرگوار
و آشفتگی ولایت و غم و اندوه مردم فصل بیست و یکم
در حکم تاریکی اگر در ابتداء تاریکی در هوا پیدا شود و دلالت کند
بر قحط و تنگی سال و فساد طعامها و بسیاری حیوانات
و غرق کشتیها فصل بیست و دوم در حکم باد
اگر در ابتداء باد سخت بود و دلالت کند که پادشاه بزرگواری
هلاک شود و غله و حیوانات بسیار و در آخر سال مرگ چهار
پایان بود فصل بیست و سیم در حکم بانگ در هوا
اگر در ابتداء بانگ از هوا شنوند و دلالت کند بر فتنه و خصومت
مردم بزرگوار از آن ولایت و حرب ایشان با هم و بیم رعیت
از ناایمنی و خبرهای اراجیف و مضرت بکار فصل
بیست و چهارم در حکم بانگ از زمین اگر در ابتداء

ف ل ۲۱ — ف ل ۲۲ — ف ل ۲۳ — ف ل ۲۴

بانگ از زمین شنوند دلالت کند بر غم و اندیشه مردم و سختی

سجار روم و باران بسیار و سرمای زمستان سخت و مهبوب باد

بود فصل بیست و پنجم در حکم زلزله اگر در این ماه

فصل ۲۵

زمین لرزه بود دلالت کند که در همه جا طعام و غله و نبات زمین

نیکو بود و هر دو بزرگواری هلاک شود و اگر در شب بود دلالت کند

بر قحط و تنگی طعام و بیماریها و مرگ چارپایان و جنگ و فتنه

اهل بابل و مصر و خرابی ولایت ایشان باب نهم

باب ۹

برومی بیدرماه و بپارسی آذرماه اما بدانکه تشرین آخر سی روز

بود و در روز یازدهم ستاره نبلذبر آید و بطین فرو شود و در روز

بیست و چهارم اکلیل بر آید و ثریا فرو شود و در این ماه

آغاز کند [illegible] قوی شود و پیه و گوشت و حلواها خوردن

منفعت بود و هر بامداد قدری آب ناشتا خوردن نیکو است

و از چیزهای گرم پرهیز کند چون نعناع و غیره و جماع کم کند

و جماع کم کرد

و جماع کم کرد فصل اول در حکم کسوف اگر

فصل ۱

در این ماه کسوف آفتاب بود دلالت کند بر فتنه و

خونریزی و خرابی شهرها و بعضی از حکما گفته اند اگر رنگ او

سرخ بود دلالت کند بر ارزانی نرخها در آخر سال و بیماری

در این سال بسیار بود و مردم در غم و اندیشه فصل دوم

فصل ۲

در حکم خسوف ماه اگر در این ماه خسوف ماه بود دلالت

کند بر فتنه و شر مردم و خونریزی و قحط و تنگی در ولایت

شام و یونان و پارس و مرگ چارپایان و خصومت میان

اهل مشرق و مرگ پادشاه بزرگ از آن ولایت و اگر در نیم

شب بود یا نزدیک صبح بود دلالت کند بر کمی غله و بسیاری

بیماری و کثرت لشکر ولایت ترک و اگر رنگ ماه در او

سرخ بود پادشاه ولایت را خراب کند و تابستان

گرم بود و زیان کند و اگر در وقت خسوف خاکستر رنگی

بود

بود و پادشاه مشرق را از دشمنان رنج رسد و ظفر پادشاه را بود
و در آخر سال غله فراوان بود فصل سیم در حکم دائره

ف ل ۳

آفتاب اگر در اینماه دائره آفتاب بود دلالت کند
بر هلاک چهارپایان و جور و مصادره ملوک بر مردم و زیان
کاروانها یعنی راهها بسبب دزدان و تشویش مردم

ف ل ۴

فصل چهارم در حکم دائره ماه اگر در اینماه
دائره ماه بود دلالت کند که در بابل جنگ و خونریزی در
میان مردم و خبرهای اراجیف بود اما در آخر سال

ف ل ۵

حال مردم نیک بود فصل پنجم در حکم ماه نو اگر در
اینماه ماه راست بر آید دلالت کند بر زیادتی گاو و گوسفند
و ارزانی نعمت و اگر یکجانب او برخاسته بود در زمستان
سرمای سخت و برف و یخ بسیار بود و هلاک گوسفندان

ف ل ۶

فصل ششم در حکم ستاره گیسو دار اگر در اینماه

ستاره گیسو دار

ستاره گیسو دار بر آید دلالت کند بر تغیر و فوت پادشاه
و ضعف احوال رعیت و گرانی و بیماری و مرگ چارپایان
و آشفتگی ولایت و خصومت و دشمنان باهم و مضرت
تجار خاصه در ان ولایت که ستاره بر آمده باشد

ف ل ۷

فصل هفتم در حکم افتادن ستارها اگر در اینماه
ستاره بزرگ بیفتد دلالت کند بر جنگ پادشاهان و ولایت
باهم و آشفتگی ولایت و بهتان و غیبت در میان مردم
و اخبار اراجیف و کمی آب چشمها و رودها و نبات زمین

ف ل ۸

فصل هشتم در حکم قوس و قزح اگر در اینماه
قوس و قزح بجانب مشرق دیده شود دلالت کند بر مرگ
بسیار و قحط و تنگی در ولایت فارس و بابل و مرگ پادشاه
آن ولایت تا نه سال پادشاه عادل در آنجا نشود اما بود
از ناایمنی در اینسال باران کم بود و اگر بمغرب بینند

اینکه در مغرب

اینها در مغرب واقع شود فصل نهم در حکم
حربه اگر در اینماه حربه پیدا شود دلالت کند بر بضرت
مردم و چهارپایان از سباع و رنج و بیماری مردم و تنگی طعام
و خروج پادشاه بابلی از ملک خود باشکر تا سه سال بیکار کند
و آشفتگی ولایت بود و قحط بود بعد از سه سال پادشاه ازیدی
توبه کند بولایت آید و آخر نیکو باید و اگر بمغرب بیند
دلالت کند که ترکان بر مردم غلبه کنند و تا سه سال در ولایت
خرابی بسیار کنند و بعد از آن پادشاه بر ترکان غالب آید
و اموال ایشان بغارت دهند فصل دهم در حکم
سرخی اگر در اینماه سرخی بجانب مشرق بینند دلالت
کند بر بیماری و تب و فساد غله و اگر با سرخی ستاره
بریزد پادشاه بزرگ هلاک شود و اگر بمغرب بینند خونریزی
و خصومت بسیار و در ولایت مغرب غم و اندوه بود

فصل یازدهم در حکم عجائب اگر در اینماه عجائب
در آسمان بینند دلالت کند بر خصومت مردم و بسیاری
میوه و ناایمنی ولایت از سبب دزدان و خبرهای اراجیف
و احوال مردم در آخر سال نیکو بود فصل دوازدهم

ف ل ۱۲

در حکم شخص اگر در اینماه شخصی در هوا پیدا شود دلالت
کند بر خصومت پادشاه با هم و قتل و وفا و میوه و تنگیت
مردم و ناایمنی ولایت بسبب دزدان و شورش عجیب
و ظلم پادشاهان فصل سیزدهم در حکم رعد اگر

ف ل ۱۳

در اینماه رعد بغرد دلالت کند بر بیماری و بعضی از حکما
کراکر اول ماه بغرد دلالت کند بر خیر و منفعت
و احوال مردم نیکو بود و زمستان سخت بود و برف و باران
بسیار بود و غله بسیار بود و میوه کم بود و اگر ماه ناقص
النور بود سرما و برف و باد در سال آینده بود فصل

ف ل ۱۴

چهاردهم در حکم برق اگر در اینماه برق بجهد
دلالت کند بر بیم بازرگانان و در ولایت مغرب از
دزدان و مضرت بر ایشان در آن ولایت از پادشاهان

ف ل ۱۵

پاک گریبان رسد فصل پانزدهم در حکم صاعقه
اگر در اینماه صاعقه دیده شود دلالت کند بر قتل و قحط
خاصه در آن دیار که آتش بیفتد و غم و اندوه مردم از

ف ل ۱۶

ناایمنی ولایت فصل شانزدهم در حکم باران
سخت اگر در اینماه باران سخت ببارد در زوال از خوفها
بلا و آفت رسد و بسیار از آنها بدین سبب توبه کنند و

ف ل ۱۷

اگر بجهد بارد فتنه و خونریزی در آن ولایت بود فصل
هفدهم در حکم تگرگ اگر در اینماه تگرگ ببارد دلالت
کند بر قحط و مضرت بسیار در آن دیار و خروج در بربر
و بدی بسیار و اگر بسیار بارد بیماری صعب و مرگ

بسیار فصل هجدهم در حکم خاک سرخ اگر در اینماه
خاک سرخ ببارد در میان مردم رنج و وبا افتد و مرگ مفاجات

ف ل ۱۹

و ناایمنی از دزدان بود در آن ولایت که ببارد فصل نوزدهم
در حکم وزغ و کرم اگر در اینماه وزغ و کرم ببارد دلالت کند
بر فساد هوا و کمی نبات و غله و بیماریها چون برسام و سرسام
و ذات الجنب و ماس و مانند این علتها بسیار بود و شخص
بزرگواری هلاک شود و کشتی بسیار در دریا غرق شود و در این

ف ل ۲۰

سال در دریاها کم بود فصل بیستم در حکم غبار اگر در اینماه
غبار صعب پیدا شود دلالت کند بر بسیاری باران
و زیادتی آب چشمها و تشویش مردم و خبرهای اراجیف
و بیکاری مردم و کمی معیشت اما غله و حبوبات بسیار

ف ل ۲۱

بود فصل بیست و یکم در حکم تاریکی اگر در اینماه
تاریکی پیدا شود دلالت کند که نبات زیان و غله و خرما

فراوان بود و باد جنوب بسیار بوزد و مردم را نزله و زکام
بسیار بود و گرگ و خرس و شیر و خرگوش و روباه اندرین سال
هلاک شوند فصل بیست و دوم در حکم باد سخت
اگر در اینماه باد سخت بوزد دلالت کند که امیران
و کودکان بسیار بمیرند و نامداران و حاجیان در راه
بسیار هلاک شوند و پادشاه الولایت خاصگیان خود را
هلاک کند و رعیت را از پادشاه رنج و غم رسد فصل
بیست و سیم در حکم بانگ از هوا اگر در اینماه
بانگ از هوا بشنوند دلالت کند که مرگ چارپایان و بیماری
بسیار و بدکسی مردم بود و آشفتگی و تباهی ولایت
از شومی پادشاهان و رعیت را از ملوک جور و مضرت
رسد و بازرگانان را از سبب دزدان مضرت رسد
فصل بیست و چهارم در حکم بانگ از زمین

ف ل ۲۲
ف ل ۲۳
ف ل ۲۴

اگر در اینماه بانگ از زمین بشنوند دلالت کند بر بسیاری
غله و طعام و فنا میوه ها و ضعف و بیماری و لاغری چهارپایان
و مرگ مردم بزرگ آن دیار و غرق کشتیها در دریا و خبرهای اراجیف
فصل بیست و پنجم در حکم لرزه زمین اگر در اینماه
زمین لرزه شود دلالت کند که پادشاه هلاک شود و توانگران
درویش شوند و درویشان توانگر شوند و مرگ و خونریزی بود
و اگر با لرزه رعد و برق بود دلالت کند بر زمستان سخت
و بادهای سخت و برف و یخ بسیار و هلاک چارپایان و اگر
شب بود غله کمتر بود و گرانی نرخها و حبوبات بود
باب نهم کانون آخر برومی و کرسنی و بپارسی دیماه اما
بدانکه کانون اول سی و یک روز بود و روز هفتم از وی ستاره
ظلیمه برآید و بر آن فرو رود و در بیست و یکم از وی شوله برآید
و هنعه فرو شود و در اینماه سرما قوی گردد و حرارت غریزی

ف ل ۲۵
ف ل ۹

در باطن متمکن کردد و غذاهای این وقت هریسه
و کباب و شیر کوسفند و چیزهای کرم موافق و از طعامهای
سرد پرهیز کند خصوصا در شب و از فصد و حجامت احتراز
کند و از بیست و پنجم این ماه میلاد بود و حکمای عجم کفته اند
و اکر میلاد روز یکشنبه بر آید زمستان خوش بود و میوه و نعم
و باران و کوسفند و روغن و تخم و انکبین بسیار بود و مرک
جوانان بود و اکر میلاد دوشنبه بر آید زمستان نیکو بود
و در میان او ابر باران بود و در تابستان در وقت
میوه بیماری سخت بسیار بود و اکر میلاد سه شنبه بود
زمستان بد از کذرد و تابستان خوش بود و کشتیها در
دریا غرق شود و در تابستان بیماری بسیار بود و اکر میلاد
در چهارشنبه بود در زمستان سرما سخت بود و برف و یخ
بسیار بود و تابستان کرم بود و دوام کوهستان

بسیار باشند و اکر میلاد روز پنجشنبه بود زمستان خوش
بود و مرک بسیار بود و اکر روز جمعه میلاد بر آید زمستان
بد از کذرد و برف و باران بسیار بود و بادهای بسیار بود
خاصه در ماه ابان و خزان و تابستان سخت کرم و غله کم بود

ف ل ۱

فصل اول در حکم کسوف اکر در این ماه کسوف
آفتاب بود دلالت کند بر سختی زمستان و باد و برف
و یخ و غله و نبات بسیار و در ولایت مازندران قحط
و مرک بسیار بود و ماهی و مرغابی بسیار باشند و در ولایت
مغرب جنک و خونریزی بود

ف ل ۲

فصل دوم در حکم
خسوف اکر در این ماه خسوف شود دلالت کند بر مرک
و خران و شتران آبستن و غله در ولایت فارس
و کشت نیکو بود و اکر در نیمه شب کرفته شود باران بسیار
بود و حبوبات بسیار و چارپایان را حال نیکو بود و نبات

زمین و غله فراخ بود و در میان خلق رنج بود و بازرگانان را
کسب و معیشت کم بود و اگر نزدیک صبح گرفته بود
دلالت کند که در ولایت فارس و اصفهان ملخ بسیار
بود و ماهی بسیار بود و در ولایت عراق ترس و بیم بود

ف ل ۳

فصل سیم در حکم دائره آفتاب اگر در این ماه
دائره آفتاب بود دلالت کند که زمستان سرد و برف
و یخ بسیار بود و مردم را اندر ما مضرت رسد و گوسفندان
هلاک شوند و نبات زمین و گیاه بسیار بود

ف ل ۴

فصل چهارم
در حکم دائره ماه اگر در این ماه دائره ماه بود دلالت
کند بر سرمای سخت و آشفتگی ولایت فارس و کرمان
و بابل بود و غم و اندیشه مردم و چیزهای اراجیف بسیار
و غله ارزان و تجار را منفعت رسد

ف ل ۵

فصل پنجم
در حکم هلال اگر در این ماه هلال راست بر آید دلالت

کند بر ارزانی خاصه هنگام بهار و تابستان گرم بود و اگر بجانب
دیگر خواسته بود دلالت کند که باران و برف و چشمهای
آب نیکو بود و نبات زمین بسیار بود

ف ل ۶

فصل ششم
در حکم ستاره گیسودار اگر در این ماه ستاره گیسودار بر آید
دلالت کند که فتنه عظیم در ولایت فارس و کرمان بود
و دشمنی پادشاهان آن ولایت و خونریزی بسیار و آشفتگی
ولایت بود و اگر بجانب مغرب بیند دلالت کند
که در ولایت یمن و طایف اندرین سال بسیار ده سوخته
گردد و باران و آب چشمها بسیار بود

ف ل ۷

فصل هفتم
در حکم افتادن ستاره اگر در این ماه ستاره بزرگ
بیفتد دلالت کند بر قحط و مرگ چهارپایان و هلاک پادشاهان
بزرگ در آنجانب که ستاره بیفتد و عیب را از لشکر
بیم از جهة دست درازی بود

ف ل ۸

فصل هشتم

در حکم قوس وقزح اگر در اثنای قوس وقزح بجانب
مشرق برآید دلالت کند بر مرگ بسیار و فتنه و خونریزی
در ولایت مشرق و اگر در مغرب بود در فصل بهار قحط
و سرما بود و قیمت ارزان و بعد از آن گران شود و در تابستان
بیماریها و مرگ بسیار بود و در بابل و مغرب خونریزی و فتنه
و آشفتگی بود **فصل نهم** در حکم حربه اگر در اثنای
حربه بجانب مشرق پیدا شود دلالت کند بر بسیاری
غله و حبوبات و سه ماه رعیت بر خداوند عاصی شوند
و بعد از آن توبه کنند و باران بسیار بود **فصل دهم**
در حکم سرخی اگر در اثنای سرخی بجانب مشرق بود
دلالت کند بر جنگ و خصومت و آشفتگی ولایت
مشرق و اگر بجانب مغرب بود این احکام در مغرب
بود اما غله و نبات زیان و میوه بسیار بود **فصل**

فل ٩

فل ١٠

فل ١١

یازدهم

یازدهم در حکم عجائب اگر در اثنای عجائب از
آسمان پیدا شود دلالت کند بر فتنه و خصومت مردم
و ظلم پادشاه بر رعیت و بیرون آمدن خوارج بر ملوک و رنج
ملوک از ایشان و در آخر سال قحط و گرانی و تشویش مردم بود
فصل دوازدهم در حکم رعد اگر در اثنای رعد
بغرّد دلالت کند بر نم و باران بسیار و آفت میوه‌ها و انگور
و اگر بار رعد ماه زاید النور بود سرمای سخت و زیانها
آنها بود و اگر با رعد برق جهد برف بسیار بود و بعضی از
حکما گفته‌اند که بسیار غریدن رعد در این ماه دلالت کند
که هلاک پادشاه بود **فصل سیزدهم** در حکم
برف اگر در اثنای برف بدرخشد دلالت کند که پادشاه
آن ولایت مردم بزرگ را هلاک کند و اموال ایشان را
تصرف کند و نبات زمین بسیار و کسب و معیشت

فل ١٢

فل ١٣

حکم

کم بود و تاراجی ولایت از هلاک و زوال بود فصل
چهاردهم در حکم صاعقه اگر در این ماه صاعقه پیدا شود
دلالت کند بر خونریزی بسیار و بدی احوال و زوال
و نقصان در آخر سال و فایده بسیار تجار فصل
پونزدهم در حکم باریدن باران اگر در این ماه باران
سخت بسیار دلالت کند بر زیادتی آبها و خرابی شهری
از بلاد روم و نیکی کسب تجار و عدل پادشاه بر رعیت
فصل شونزدهم در حکم تگرگ اگر در این ماه
تگرگ بسیار دلالت کند بر بسیاری عوانان و ظالمان
و زحمت رعیت از ایشان و هلاک پادشاه بعد
از یک سال و تاراج مال و تاراجی ولایت بعد از آن
فصل هفدهم در حکم خاک سرخ اگر در این ماه
خاک سرخ بسیار دلالت کند بر غم و بیکسی مردم و کمی

منفعت تجار

ف ل ۱۴
ف ل ۱۵
ف ل ۱۶
ف ل ۱۷

منفعت تجار بسبب دزدان و در این سال طغیان
فتنه و خونریزی و آشفتگی ولایت بود فصل هجدهم
در حکم وزغ و کرم اگر در این ماه وزغ و کرم بسیار دلالت کند
بر بیماریهای صعب و مرگ زنان در اول بهار و خزان
بیشتر و فساد میوه و غله و زیان مردم و چارپایان از سباع
و ظلم ملوک بر رعیت و تشویش مردم فصل نوزدهم
در حکم غبار اگر در این ماه غبار از هوا پیدا شود دلالت
کند بر اخبار اراجیف و اندوه مردم و ستم ملوک بر رعیت
و خشکی سال و کمی آبها و معیشت بازرگانان و دارو غم
و گوسفند و عسل بسیار بود فصل بیستم در حکم
تاریکی اگر در این ماه تاریکی بود دلالت کند بر آفت
میوه‌ها و بیکسی مردم و جور مردم بر رعیت و ملا الهی از سبب
دزدان فصل بیست و یکم در حکم [illegible]

اگر در اینماه

ف ل ۱۸
ف ل ۱۹
ف ل ۲۰
ف ل ۲۱

اگر در اثنای او باد سخت بود دلالت کند بر قتل پادشاه
بزرگ و حرب و قتل جمعی از لشکر و تاراج و غارت رفتن باقی و
در پانزدهم اثنای سرما سخت بود و بیماری صعب بود

فـ ل ۲۲

فصل بیست و دوم در حکم بانگ از هوا

اگر در اثنای او بانگ از هوا بشنوند دلالت کند بر فتنه و بلا
و قحط بسیار و زمین لرزه و ناایمنی مردم از غرامات و ظلم
ملوک بر رعیت و زحمت مردم از لشکریان فصل بیست و سیم

فـ ل ۲۳

در حکم بانگ از زمین اگر در اثنای او بانگ از زمین بشنوند
دلالت کند بر خصومت ملوک و خونریزی و آشفتگی
ولایت و سوختن شهرها از آتش و کمی معیشت تجار
و ایمنی در آخر سال و نیکوئی حال مردم فصل بیست و چهارم

فـ ل ۲۴

در حکم زلزله زمین اگر در اثنای او زمین لرزه شود دلالت کند
بر خیانت امرا و امراء پادشاهان و یا بسبب خونریزی

در میان مردم و خرابی بعضی از شهرها و ظفر پادشاهان بود
و مرگ چهارپایان و گرانی غله و حبوبات و نبات زمین
و اگر بوقت زلزله ماه در وبال باشد و میان دو ستاره یا منحرف
نحس بود مرد بزرگواری هلاک شود و اگر شب بود و در این سال
نعمت فراوان و غله و نبات زمین بسیار بود و معیشت
نیکو بود و پادشاه بزرگ هلاک شود باب یازدهم بر روی

باب ۱۱

پارسی و بفارسی بهمنماه الابدا انکه کانون آخر است و یکروز بود
و روز دوم از وی ستاره نعایم بر آید و شوخه حرز شود از طعامهای
لطیف مستغنی کردد و آب ناشتا نخورد و جماع کردن و گوشت
خوردن و کباب و رفتن و تن را بروغن با حرارت اندودن و غذاهای
گرم چون کرفس و سپندان خوردن نیکو است و از بسیار چیزهای
سرد پرهیز کردن حکما گفته اند اگر اول اثنای او روز یکشنبه باشد
زمستان معتدل بود و فصل بهار نیم و باران بسیار بود

و نباتشان خشک بود و در خزان باران بسیار بود و غله و گوشت
و انگور بسیار بود و مرگ چهارپایان و چوپانان بسیار بود و اگر
روز دوشنبه بود زمستان خوش بود و تابستان گرم بود و باران
بسیار بود و در خزان بیمار و مردمان اسب و بیمار بسیار و دیوانگان
و مرگ بسیار بود و اگر سه شنبه بود زمستان سخت بود و برف
و یخ بسیار بود و در بهار نم و باران بود و در فصل خزان بیمار و
و میوه کم و بیماری و مرگ مفاجات بسیار بود خاصه زنان را
و غله و نبات زیان و طعام بسیار و سفر دریا دشوار و منفعت
کم بود و اگر روز چهارشنبه بود زمستان میانه و برف اندک
بود و در بهار باران بسیار و تابستان گرم و سبزها و
حبوبات گران بود و در فصل خزان هوا معتدل و میوه‌ها
بسیار و مرگ بسیار در مردمان و اگر پنجشنبه بود زمستان
خوب بود و فصل بهار سرد و تابستان و خزان معتدل بود

[illegible]

و کشت و میوه و انجیر نیکو بود و اگر روز جمعه بود زمستان
سرمای سخت و در تابستان نم و باران بسیار و ارزانی و مرگ
کودکان بود و اگر شنبه بود زمستان میانه و باد بسیار بود و
تابستان و خزان خشک بود و باران و غله و میوه کمتر بود و زنان
حامله بچه اندازند و عمارات از آتش سوخته شود و بیماریهای مختلف بود

ف ل ١

فصل اول در حکم کسوف آفتاب اگر در ابتداء
کسوف آفتاب شود دلالت کند بر فراخی سال و برکت
و نعمت و ارزانی در همه شهرها بود و مردی بزرگواری از دیار
روم بجانب فارس شود و خدمت پادشاه فارس را کند
و خرابیها را عمارت کند و اگر گاه غروب گرفته شود بیم و آشفتگی
ولایت بود

ف ل ٢

فصل دوم در حکم خسوف ماه
اگر در ابتداء خسوف ماه بود دلالت کند بر بسیاری
غله و نبات زیان در این سال و ایمنی ولایت فارس

و خراسان

وخراسان وارزانی نعمت در همه جا و میوه بسیار بود
واگر نیمه شب گرفته شود ملخ بسیار بود اما زیان نکند و باران
بسیار بیارد و آبها و نبات زیان بسیار بود واگر رنگش
خاکستری گون بود در ولایت مصر از پادشاه بر رعیت
زیان رسد وبعضا از مهتران ایشان هلاک شوند وانگبین فراوان بود

ف ل ۳

فصل سیم در حکم دائره آفتاب اگر در اثناء
دائره آفتاب بود دلالت کند بر مرگ بسیار و هلاک
گوسفندان و غم و بیکسی مردم و کمی معیشت بازرگانان
بسبب دزدان و ناایمنی راهها

ف ل ۴

فصل چهارم
در حکم دائره ماه اگر در اثناء دائره ماه بود دلالت کند
که در آخر زمستان برف بسیار و باران زیاد باشد
و زیادتی آبها خاصه در بهار و نبات زیان و کشت و گیاه
بسیار و مردم را زکام و نزله و سرفه و بیماری چهارپایان بود

فصل پنجم

ف ل ۵

فصل پنجم در حکم ماه نو اگر در اثناء ماه راست برآید
دلالت کند که نبات زیان و غله و گیاه نیکو بود واگر کج برآید
وی بر خواسته بود درختان میوه دار از سرما یا از ملخ آفت رسد
وانگبین بسیار بود

ف ل ۶

فصل ششم در حکم ستاره گیسودار
اگر در اثناء ستاره گیسودار برآید دلالت کند بر فتنه
وخونریزی در ولایت مغرب و در ولایت روم میان
ملوک دشمنی و خونریزی بسیار شود و پادشاهان هلاک شوند

ف ل ۷

فصل هفتم در حکم افتادن ستاره اگر در اثناء
ستاره بزرگ بجهد دلالت کند بر ترس و بیم و اندوه
رعیت و ناایمنی از ظلم پادشاه و لشکریان بود
و غله و حبوبات و نعمت فراوان بود و مرگ چهارپایان
بود

ف ل ۸

فصل هشتم در حکم قوس قزح اگر
در اثناء قوس قزح بجانب مشرق دیده شود دلالت

کند بر دشمنی

کند که دشمنی بر پادشاه ظفر یابد و پادشاه را هلاک کند و
بسیاری از امرا و سپاهی هلاک شوند و انگور را آفت
رسد و برف و یخ بسیار بود و در تابستان غله و کشت
نیکو بود و اگر بجانب مغرب دیده شود سرما سخت بود
و نرخها ارزان و مرگ بسیار و ایمنی سال فصل نهم

ف ل ۹

در حکم حربه اگر در اینماه حربه بجانب مشرق پیدا شود
دلالت کند که مرد بزرگواری بر پادشاه خود غلبه کند و ولایت را
خراب کند و پادشاه او را هلاک کند و اگر بجانب مغرب
دیده شود دلالت کند که در ولایت فرنگ قحط شود

ف ل ۱۰

فصل دهم در حکم سرخی اگر در اینماه سرخی
در جانب مشرق پیدا شود دلالت کند که در آخر سال
در ولایت مشرق فتنه و خونریزی و آشفتگی باشد
و اگر بجانب مغرب دیده شود اینها که ذکر شد در مغرب بود

و از پادشاهان عدل و انصاف واقع شود و میوه ارزان بود

ف ل ۱۱

فصل یازدهم در حکم عجایب اگر در اینماه عجایب
در آسمان پیدا شود دلالت کند که زنان حامله بچه بسیار
افکنند و مردم باهم خصومت کنند و تجار را زیان مال از دزدان بود

ف ل ۱۲

فصل دوازدهم در حکم شخصی که در اینماه از هوا
پیدا شود دلالت کند بر سختی زمستان و نیکی طعام و آشفتگی
ولایت و بیم بود و پادشاه و لشکریان هلاک شوند و ولایت
خراب شود و باقی مردم بگریزند فصل سیزدهم

ف ل ۱۳

در حکم رعد اگر در اینماه رعد بغرّد دلالت کند بر خصومت
و خونریزی بسیار و آشفتگی ولایت و اندوه مردم و اگر ماه
ناقص المنوّر بود احکام مذکوره در سال آینده بود و آخر سال
باران بود و صلاح و ایمنی پدید آید فصل چهاردهم در حکم

ف ل ۱۴

برق اگر در اینماه برق بجهد دلالت کند بر آشفتگی و تنگی و خونریزی در ولایت

مصر و بابل و باران و رنهای آبها و غله و نبات زمین بسیار بود

و در تابستان مرگ و بیماری بود فصل ~~بیست و پنجم~~ پانزدهم

ف ل ۱۵

در حکم صاعقه اگر در این ماه صاعقه بسیار شود دلالت کند

بر فتنه و خونریزی و خصومت شاهان باهم و ناایمنی و سوختن

عمارات از آتش و غم و اندیشه در مردم بود فصل شانزدهم

ف ل ۱۶

~~بیست و ششم~~ در حکم باران سخت اگر در این ماه

باران سخت بسیار دلالت کند که مردم را درد چشم

بود و غله و زرع بسیار و فراوان بود و اگر سخت بسیار مرگ

مفاجات و بیماریهای صعب بود فصل هفدهم

ف ل ۱۷

در حکم تگرگ اگر در این ماه تگرگ بسیار دلالت کند

که خیر و برکت و جمعیت و عدل پادشاه بر رعیت

و انصاف و غله و حبوبات و تجارت در این سال متفق بود

فصل هجدهم در حکم خاک سرخ اگر در این ماه خاک

ف ل ۱۸

سرخ بسیار دلالت کند بر آفت چارپایان و بیماری

بسیار و اندیشه مردم از جور پادشاه و ناایمنی و آفت

مردم اما غله و نبات زمین نیکو بود فصل نوزدهم

ف ل ۱۹

در حکم وزغ و کرم اگر در این ماه وزغ و کرم بسیار دلالت

کند که قحط و تنگی و غم و اندیشه بسیار بود و گرانی و بیماری

صعب و جور پادشاه بر رعیت و مضرت تجار بسبب

دزدان بود فصل بیستم در حکم غبار اگر در این ماه

ف ل ۲۰

غبار پیدا شود دلالت کند بر ناایمنی ولایت و آشفتگی

و خصومت ملوک باهم و خونریزی بود و در آخر سال

در میان ایشان صلح افتد و غله و نبات زمین بسیار

باشد و کسب و معیشت مردم نیکو بود فصل

ف ل ۲۱

بیست و یکم در حکم تاریکی اگر در این ماه تاریکی

پیدا شود دلالت کند بر خیر و صلاح ولایت و عدل

پادشاه بر رعیت نیکی کند اما در آخر سال برکت و جمعیت

بود فصل بیست و دوم در حکم بانگ ابرها

ف ل
٢٢

اگر در این ماه بانگ ابرها شنوند دلالت کند که در آن دیار

باران بسیار بود و غله و نبات زمین نیکو بود و تجار را منفعت

رسد و کشتی غرق شود فصل بیست و سیم

ف ل
٢٣

در حکم باد سخت اگر در این ماه باد سخت جهد دلالت

کند که پادشاه مغرب لشکر جمع کند و بحرب رود و لشکر

بسیار هلاک شود و در مشرق قحط و تنگی پدید آید و رعیت را

از پادشاه مصادره رسد و در آخر سال احوال مردم نیکو بود

فصل بیست و چهارم در حکم بانگ از زمین

ف ل
٢٤

اگر در این ماه بانگ از زمین بشنوند دلالت کند بر مرگ

مفاجات و بیماری صعب و غم و اندوه مردم و باران

بسیار و در زیادت آبها و چشمها و زمین لرزه و غله و نبات و حیوانات

و آنچه بیاید

و ایمنی بود و از پادشاهان بر رعیت عدل و انصاف

پدید آید فصل بیست و پنجم در حکم زلزله زمین

ف ل
٢٥

اگر در این ماه زمین لرزه پدید آید دلالت کند که در این

سال مردم بصحت و سلامت باشند اما کودکان را

بیماری بسیار بود و لشکریان جمع آیند اما خونریزی

نبود و در آخر سال تنگی طعام و اختلاف احوال مردم

و آشفتگی و زنان و خونریزان و باران بسیار بود

باب دوازدهم برومی و بفارسی اسفندار

ماه آمد اما انکه شباط بیست و هشت روز است تا سه سال

سال چهارم بیست و نه روز بود بهر آنکه این ربیعه سال

جمع آید و در روز ششم ازوی سعد البلع بر آید و طرفه

فرو شود و در روز نهم ازوی سعد السعود بر آید و جبهه

فرو شود و در روز دوم با سیم تا چار باران یا برف بسیار

چنین از شباط

وچون از شباط نصف روز بگذرد وجمره دویم بیفتد درختان
وچون روز بیست ویکم بگذرد وجمره سیم بیفتد آفتاب بود
وروز پانزدهم اینماه زمین گرم گردد وبن نبات وکشت
محکم گردد وبار قبله درختان آبستن جستن گردد ودرختانرا
ازهم بشکافد وگل وبرگ پیدا کند ودر اینماه بارندگی
بسیار بود وبادها درحرکت آیند ومشام گشاده شود
وآب درجویها بگذرد وشیر خوردن وگوشت صید وگوشت
مرغان ومیوهای خشک خوردن والحلواها الا اندک
باید خورد وبحمام اندک باید رفت وجماع اندک باید کرد
تا تن درست باشد فصل اول درحکم کسوف

فصل ۱

اگر در اینماه کسوف آفتاب بود دلالت کند بر قحط
ولایتها وتنگی بود وباران کم بارد ودرماه نیسان ملخ
بسیار بود ومرگ چهارپایان بود ودر ولایت فارس
خوارج پیدا شود

خوارج پیدا شود وپادشاه هلاک کنند وولایتها
خراب کنند ودراین دیار بیم وآشفتگی وخونریزی
وقحط وتنگی بود ومردی سپاه از خوارج بپادشاهی
بنشیند ودر ولایت فارس مملکت بروی قرار
گیرد فصل دویم درحکم خسوف ماه اگر

فصل ۲

در اینماه خسوف ماه بود دلالت کند که نم وباران و
ماهی ومرغان آبی وحال گوسفندان نیکو بود وکشت
ومیوها ونبات وانگبین بسیار بود واگر بوقت
خسوف خاکستر گون بود یا همه گرفته بود درمیان
کفار واهل اسلام فتنه وخونریزی بود وتباهی
از سبب دزدان واگر رنگ سرخ بود خارجیان
بر ولایت غلبه کنند وکرانه وخونریزی بود واگر
بنیمه شب گرفته بود در ولایت مصر خونریزی بسیار
واندوه مردم بود

واندوه مردم بود و درولایت بابل مردمان بسیار
بمیرند و اگر نزدیک صبح گرفته بود کشتیهای بزرگ غرق
شود فصل سیم در حکم دائره آفتاب اگر
در این ماه دائره آفتاب بود دلالت کند بر بیماری
و زکام نزله و نم و باران و زیادتی آبها و در بهار و نبات
و غله بسیار بود و از پادشاهان بر رعیت عدل و انصاف
بود فصل چهارم در حکم دائره ماه اگر در این ماه
دائره ماه بود دلالت کند بر بیماری پیره زنان و بادبان
بسیار و زیادتی آبها و غله و نبات زمین و میوه و پادشاهان را
بر رعیت عدل و انصاف بود و ایمنی سال بود
فصل پنجم در حکم ماه نو اگر در این ماه راست
برآید دلالت کند بر سرمای سخت و برف و یخ
بسیار و اگر یکجانب وی برخاسته بود بسیاری

ف ل ۳
ف ل ۴
ف ل ۵

ابر و باران

ابر و باران و زیادتی آبها و کشت نیکو بود فصل
ششم در حکم ستاره کیسودار اگر در این ماه ستاره
کیسودار برآید دلالت کند بر مرگ پادشاهان بزرگوار
و خونریزی در میان ایشان بود و اتفاقها و آشفتگی بود
و آبها زیان کرده و باران کم شود و میوه اندک و بادهای
آشفته بسیار بود و غرق کشتیها تا آخر سال بود
فصل هفتم در حکم افتادن ستاره اگر
در این ماه ستاره بیفتد دلالت کند که مرد بزرگواری
بمیرد و دیگری بجای او بنشیند و مردم از هیچ زحمتی
نرسد و ایمنی ولایت و کسب تجار نیکو بود
فصل هشتم در حکم قوس و قزح اگر
در این ماه قوس و قزح بجانب مشرق برآید دلالت
کند که امر او خاصان بر پادشاه بود و اگر بمغرب

ف ل ۶
ف ل ۷
ف ل ۸

دیده شود

دیده شود دلالت کند که پادشاه را دشمنی عظیم پیدا
شود و باران بسیار و آبها فراوان بود و غله و نباتات
بسیار و کسب و معیشت مردم و ایمنی و منفعت
تجار و هلاک پادشاه در ولایت مجوسیان بود

ف ل ٩

فصل نهم در حکم صاعقه اگر در اینماه صاعقه
پیدا شود دلالت کند بر هلاک پادشاه بزرگ و آشفتگی
ولایت و مضرت مسافران تجار به سبب دزدان
و غم و اندیشه مردم و هلاک چارپایان و ناایمنی ولایت
بود خاصه در اول سال

ف ل ١٠

فصل دهم در حکم
باران سخت اگر در اینماه باران سخت بسیار دلالت
کند بر نیکوی سال و ایمنی مردم و سلامتی و فراخی نعمت
و بسیاری کسب و معیشت و عدل و انصاف پادشاه
بر رعیت و خرما فراوان بود

ف ل ١١

فصل یازدهم

در حکم تگرگ اگر در اینماه تگرگ سخت بسیار دلالت
کند بر غم و اندیشه مردم آنجا و در آخر سال قحط و ظلم
پادشاهان بر رعیت و کمی غله و حبوبات و زحمت تجار
بسبب دزدان و راه زنان

ف ل ١٢

فصل دوازدهم
در حکم خاک سرخ اگر در اینماه خاک سرخ ببارد
دلالت کند بر تشویش راهها و تجار بسبب بیم و در
ولایت بابل قحط و تنگی و ناایمنی بود

ف ل ١٣

فصل
سیزدهم در حکم وزغ و کرم اگر در اینماه وزغ
و کرم ببارد دلالت کند بر گرانی نرخها و مرگ چارپایان
و بیماری صعب مثل سرسام و برسام و مرگ زنان
و کودکان بود

ف ل ١٤

فصل چهاردهم در حکم غبار
اگر در اینماه غبار پیدا شود دلالت کند بر جنگ
و خصومت مردم با هم و فوت پادشاه و ضعف

حال رعیت از جور پادشاه و در آخر حال مردم نیکو باشد
و کسب و ایمنی ولایت پدید آید فصل پونزدهم
در حکم تاریکی اگر در اینماه تاریکی در هوا پیدا شود دلالت
کند بر مرگ چهارپایان و بسیاری حبوبات و نباتات
و غله در آخر سال و تجار را کسب نیکو باشد و ایمنی ولایت
بود فصل شونزدهم در حکم باد سخت اگر در اینماه
باد سخت بود دلالت کند بر کشته شدن پادشاه
آن ولایت و فتنه و آشفتگی آید پار و بهای میوه و تجار را
از دزدان بیم بود و آخر نیکو باشد فصل هفدهم
در حکم بانگ از هوا اگر در اینماه بانگ از هوا بشنوند
دلالت کند بر سرمای سخت و کمی میوه و خبر از جهت
و خصومت پادشاهان مشرق با هم و ضعف حال
رعایا از لشکریان و کمی معیشت و نا ایمنی اطراف

ف ل ۱۵
ف ل ۱۶
ف ل ۱۷

فصل هجدهم در حکم بانگ از زمین اگر در اینماه
بانگ از زمین بشنوند دلالت کند بر کمی نباتات و خشکی
سال و گرانی و خروج خوارج بر ملوک و آشفتگی ولایت
بسبب دزدان و اندیشه مردم باشد فصل نوزدهم
در حکم لرزه زمین اگر در اینماه لرزه زمین باشد دلالت
کند بر غلبه دزدان و پادشاه بدستی کنند و ترس و آشفتگی
و بیماری بسیار و خرابی شهرها اما در آخر سال احوال
مردم نیکو بود و نعمت بسیار و در ولایت کفار مرگ
بسیار و قحطی بود و اگر لرزه نیم شب بود یک پادشاه
از جای خود بجای دیگر رود و آن ولایت خراب
کند و در میان مردم فتنه و آشفتگی و بیم باشد و مرگ جوانان
و آبهای فراوان و غله و نعمت بسیار باشد فصل
بیستم در حکم حربه اگر در اینماه حربه بجانب

ف ل ۱۸
ف ل ۱۹
ف ل ۲۰

مشرق پدیدا شود دلالت کند بر مرگ اغنام و بهائم
و باران بسیار و تنگی طعام و کثرت دد و دام و در آن
سال مردم را مضرت رسد خاصه در ترکستان و اگر حربه
بجانب عرب بود در میان مردم گفتگو و خصومت
بسیار افتد و اخبار اراجیف گویند و در ملوک عرب
محاربه و خصومت افتد و اهل اسلام را فوت باشد
و بآخر کار خراج دهد فصل بیست و یکم در حکم

فل ۲۱

سرخی آسمان اگر در اثناه سرخی در آسمان بجانب
مشرق باشد دلالت کند بر کثرت ابر و باران و اگر
بشب باشد و روز سخت تاریک بود دلالت کند
بر هلاک پادشاه بزرگ در آن سال و اگر سرخی بجانب
مغرب باشد آنچه گفتیم در مغرب شود فصل
بیست و دویم در حکم عجائب در آسمان بـ

فل ۲۲

اگر در اثناه عجائب در آسمان پدید شود در آن سال
زنان حامله را بچه بسیار افتد و مردم را بالکلیه قتل
و محاربه بسیار بود و تجار را مضرت از قطاع الطریق
بود فصل بیست و سیم در حکم شخص اگر

فل ۲۳

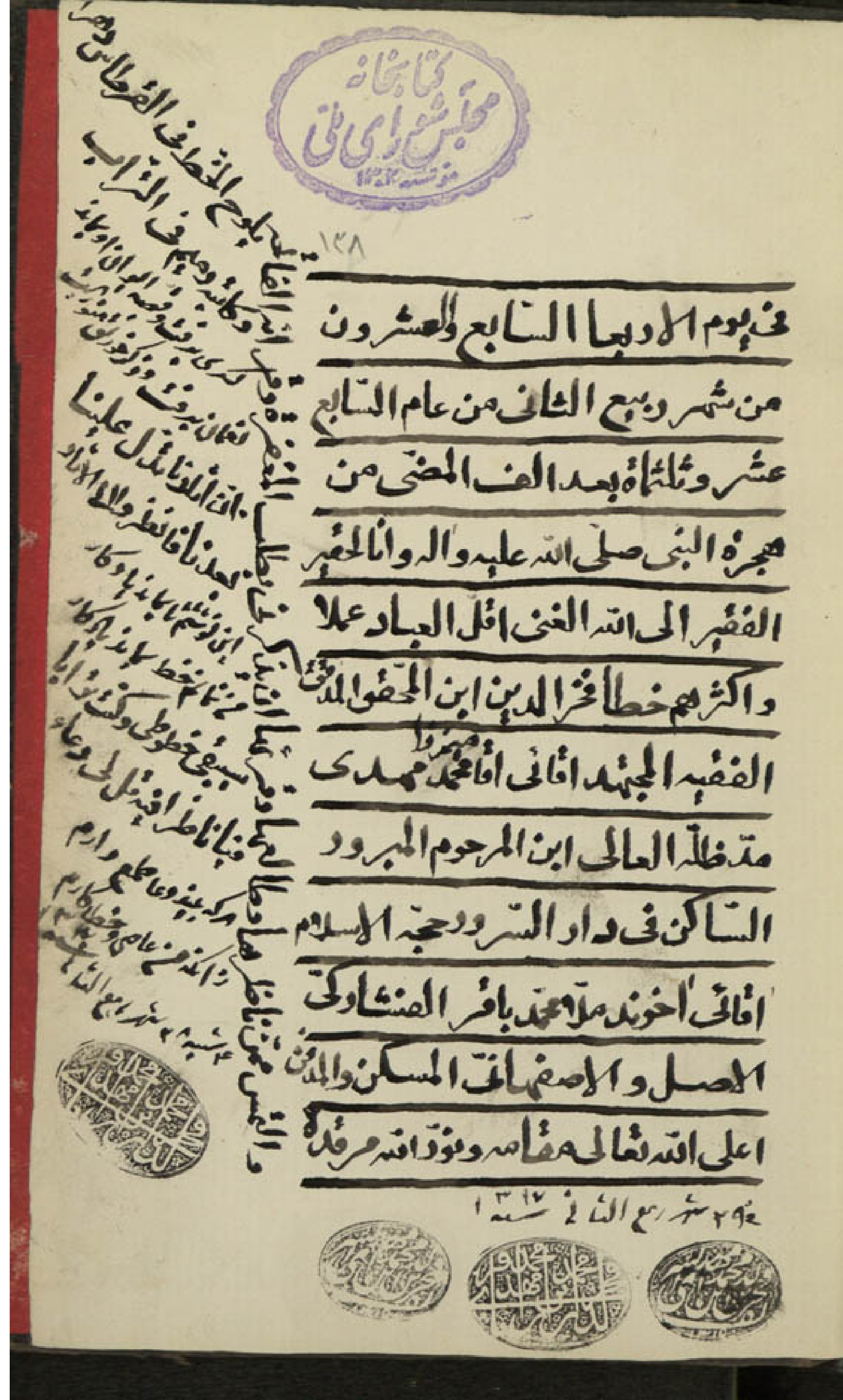
در اثناه شخصی در هوا ظاهر گردد دلالت کند بر هلاک
پادشاه بزرگوار و کثرت قتل و تاراج در آید بار و غم و
اندیشه مردم از قحط و ناایمنی و کثرت رنج رسید
بر عقب ارکان آن فصل بیست و چهارم

فل ۲۴

در حکم رعد بسیار اگر در اثناه رعد بسیار بود
دلالت کند بر کثرت انگور و میوه در آن سال و اگر
سخت غره بود که ماه نیسان که چند روز از او
گذشته باشد اشجار نیکو را آفت رسد از سرما
و اگر وقتی غره که ماه زاید النور باشد مرگ بسیار

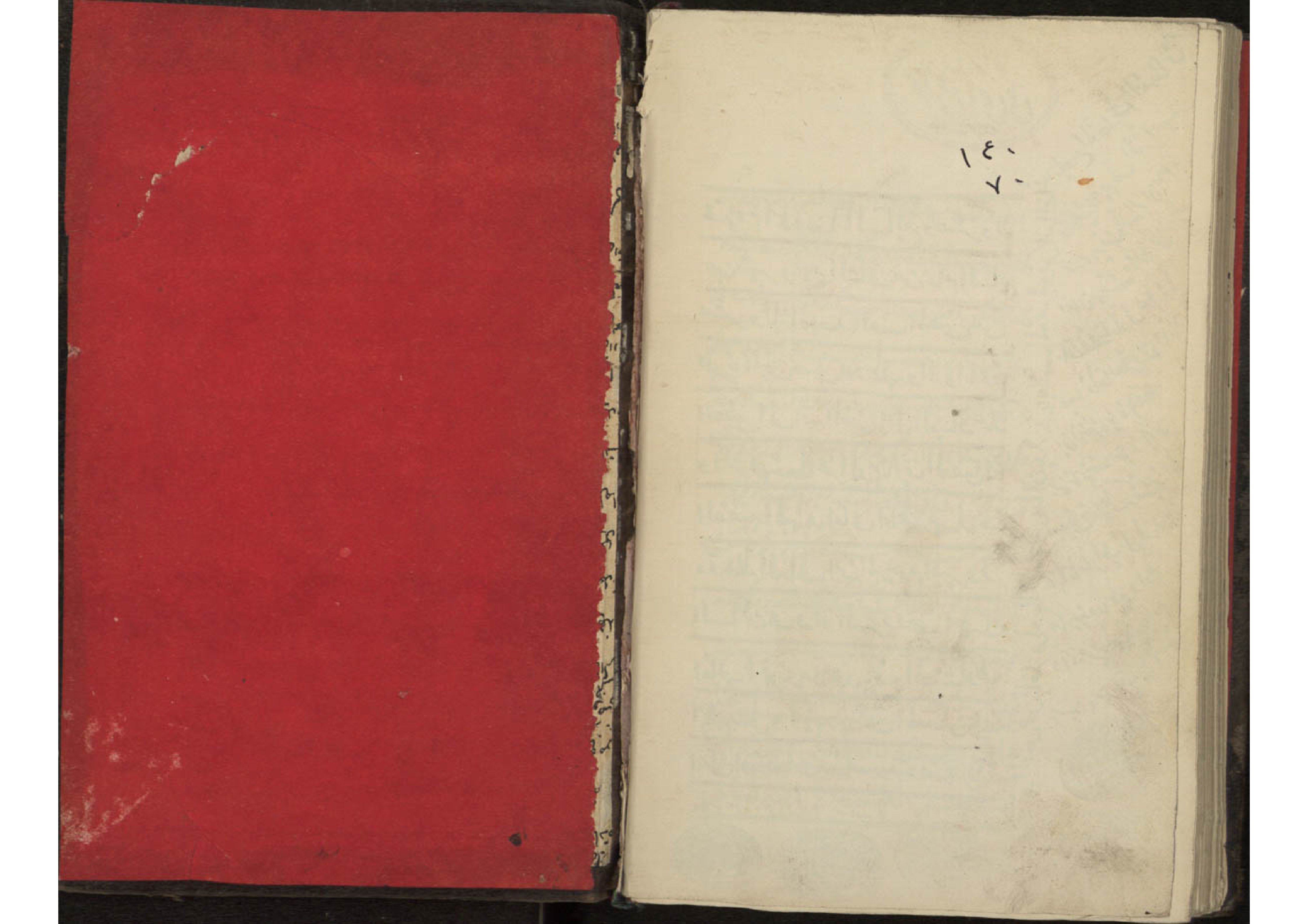
باشد و غله و میوه کم بود و اگر ماه ناقص النور بود آنچه
گفتیم در سال آینده بود و گفته اند که اگر رعد بغرد و
ماه ناقص النور بود دلالت کند که انگور و غله و ماهی
سال بسیار بود و فصل بیست و پنجم در حکم
برق اگر در این ماه برق بدرخشد دلالت کند که
در این سال باران کم بارد و ابر فراوان بود و آبها
فراوان باشد و غله و نبات زمین بسیار بود
و مردم را کسب و معیشت و ایمنی بود و منفعت
بآنها رسد و نیز دلالت کند که پادشاه بزرگی در
مجوسیان کشته شود

قد فرغت من کتابة هذه النسخة
الشریفة والله اعلم بصحة ما فیها
انه لا یعلم الغیب الا الله تعالی



فی یوم الاربعا السابع والعشرون
من شهر ربیع الثانی من عام السابع
عشر وثلثماة بعد الف المضی من
هجرة النبی صلی الله علیه وآله وانا الحقیر
الفقیر الی الله الغنی اقل العباد عملا
واکثرهم خطا فخر الدین ابن المحقق المدقق
الفقیه المجتهد آقائی آقا میرزا محمد مهدی
مد ظله العالی ابن المرحوم المبرور
الساکن فی دار السرور حجة الاسلام
آقائی آخوند ملا محمد باقر الفشارکی
الاصل والاصفهانی المسکن والمدفن
اعلی الله تعالی مقامه ونور الله مرقده

۲۷ شهر ربیع الثانی فی سنه ۱۳۱۷



١٤٠
٧٠


خطی